



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

حامل ، متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سوالات -

شماره تلفن : ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال چهارم - شماره ۱۰۳۱

صفحه ۳۲۹۰

۴ شنبه ۱۰ شهریور ماه ۱۳۲۷

نایب رئیس: سید محمد ششمی

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۱۰

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

۱ - بقیه صورت مشروح مذاکرات نودوششمین جلسه	
دوره یازدهم	از صفحه ۱ تا ۱۷
۲ - قانون	۱۷
۳ - تصویبنامه	۱۷
۴ - آگهی های رسمی	۲۱

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۴۶-۹۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز دوشنبه اول شهریورماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب

- ۱- بقیه استيضاح و تصمصم مجلس برآی اعتماد بدولت
- ۲- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه .

مجلس ساعت ده و بیست دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید
۱- بقیه استيضاح و تصمصم مجلس برآی اعتماد دولت

رئیس - آقای اردلان بقیه بیانات خودتان را بفرمائید .

رضوی - پیشنهادی تقدیم کرده ام راجع بیک دوازدهم .

رئیس - بین نطق ناطق نمیشود نطق باید تمام بشود بمطلب دیگر مطرح شود آقای اردلان اردلان - بنده اجازه می خواهم که قبلا دو

کلمه بمقام ریاست محترم مجلس شورای ملی مطالبی را که در جلسه گذشته بمرض رساندم تکرار کنم و برای این تکرار می کنم که دیروز جناب آقای رئیس محترم مجلس توجه فرمودند که هرايض بنده از ابتدا تا انتهاه يك مسئله بخصوص و مربوط بارز بود و بنا بر این از استيضاح نماینده محترم آقای عباس اسکندری بکلی متمایز و جدا بود اینست که بنده باز استدعا میکنم که حق يك نماینده را ایشان که رئیس مجلس هستند حفظ بفرمایند و مطابق نظامنامه که پیشنهادی هم بعضورشان تقدیم میکنم نسبت باستيضاح بنده رای جداگانه ومستقلی اخذ بفرمایند

تا برای ملت ایران و خودبنده مطابق نظامنامه وحق که دارم معلوم شود که آیا مجلس شورای ملی و نمایندگان محترم استيضاح بنده را وارد دانستند یا ندانستند اینست که بنده مقدمه این پیشنهاد خود را حضور محترم مقام ریاست تقدیم می کنم و بعد بمطلب می پردازم از آقایان نمایندگان محترم بنده بسیار معذرت میخواهم که دیروز هرايضم دو ساعت طول کشید ولی این موضوع بعدی مهم بود که قیر از این برای من مقدور نبود و زیاد هم تقصیر نداشتم برای اینکه برای این حادثه ای که برای نماینده محترم جناب آقای گنجی ای که بنده از آن متأثر و متاالم هستم (صحیح است) مجلس شورای ملی دیر تشکیل شد بنده از موقع استفاده می کنم مراتب معذردی و تسلیت خودم را بجناب آقای گنجی ای و همسر محترمشان تقدیم میدارم امیدوارم که خداوند بایشان صبر جمیل عنایت فرماید در ممالک دیگر اگر يك مسئله ای را بحث بکنند بحساب جلسه نمی آورند که چند جلسه طول کشید بحساب ساعت میآوردند که چند ساعت یازده

ساعت ، چهارده ساعت ، شانزده ساعت طول کشید البته يك مسئله که در تمام شئون اجتماعی کشور ما مؤثر است اگر من از آقایان خواهش کنم که دو سه ساعت وقت صرف کنند گناهی ندارم برای مملکت تصور می کنم مفید باشد مهلتا بنده کوشش می کنم که در جلسه امروز ساعت یازده هرايضم تمام شود بلکه هم زودتر (انشاء الله) چشم نیم ساعت حداکثر بنده سعی میکنم هرايضم تمام شود (بفرمائید) در جلسه گذشته آقایان نمایندگان محترم توجه فرمودند که بنده اسم کسی را نبردم و بانهايت مهر و معیتی که آقایان ارباب جراید نسبت به بنده در روزنامه های شان امروز دیدم مهلتا يك مختصر اشاره ای نسبت بدو مطلب شد که باید من توضیح عرض کنم يك مطلبی بود که جناب آقای سزاوار نماینده محترم فرمودند و بنده هم يك جوابی عرض کردم که بطوری که بنده ه ض کردم در روزنامه نوشته نشده بود و چون من آقای سزاوار بسیار احترام میکنم و از اعضا فرا کبیونی هستند که مدت ها افتخار همکاری با ایشان را داشته دارم و امیدوارم که هیچ گونه سوء تفاهمی نسبت باین موضوع برایشان حاصل نشود و حالا تشریف ندادند و البته از موضوع مستحضر خواهند شد یکی هم نماینده محترم آقای ملک پور به بنده تذکر دادند امروز صبح حق هم همین بود تذکر ایشان وارد بود . ایشان نماینده شیراز هستند علاقه بحفاظت و سمدی دارند و این علاقه را همه ماها

صادر شد آقایان اطلاع دارند مجلس شورای ملی تعطیل بود و احیاء هم بود بنده روزی که اول مجلس باز شد آمدم در مجلس که به بنام آقایان اعضاء فراکسیون دمکرات ایران و آقایان نمایندگان دیگر هستند که این موضوع ارز را بحث بکنیم که شاید يك راهی برای این کار پیدا شود بدبختانه هیچک از آقایان نمایندگان در آنموقع در مجلس نبودند آقای حاذقی هم که همیشه در مجلس بودند آنروز در مجلس تشریف نداشتند بنده روز ۷ مرداد ۱۳۲۷ تا ظهر اینجا بودم ظهر رفتن طرف منزل آقایان نمایندگان اگر خیابان شاه آباد را تشریف برده باشند در موقع ظهر می بینند که سایه هیچ نیست و چه آفتاب گرمی است بنده آنجا رفتم دیدم جمعیتی ایستاده رفتم جلو گفتم چه خبر است؟ گفتند آقا يك گرانفروشی را دارند شلاق میزنند دیدم يك جوان ۱۷ هیجده ساله را انداخته اند و دو نفر آژان با کمال شقاوت شلاق میزنند و این بدبخت روی زمین گرم ناله میکرد و هر وقت که این بیچاره يك غلطی میزد و این لباسش پاره بود شلیک خنده و استهزاء از تماشاچیان بلند میشد (مکی - اگر لباسش نو بود نمیزدند) که این بدبخت از زجر شلاق در هلاک نبود که از زجر بی لباسی گفتم این چه گناهی کرده گفتند ۵ ریال خیار را گرانتر فروخته از نرخ شهرداری آقایان میلیون ها تومان ارز مملکت ما را گران کرده اند برخلاف قوانین و مجازاتی نیست اگر در این مملکت مجازاتی هست برای همان بدبخت بیسوی لغت است بنده دیگر مرضی ندارم .

رئیس - آقای وزیر دادگستری

وزیر دادگستری - (آقای نظام السلطنه مافی) در مقابل فصاحت و بلاغت شاهزاده اسکندری که دستین، سیرورن میرابوحتی سقراط را مجسم نمودند بنده میتوانم فقط عرایض ساده از روی عقیده و ایمان بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم .

میخواهم خدمت شاهزاده هم این را عرض نمایم که بهتر است دست از سقراط بردارند چون ممکن است سه نفر دیگر از فرط فصاحت و بلاغت شب را روز و روز را شب معرفی نموده باشند ولی سقراط همیشه طالب حقیقت بود .

باینکه همیشه وقت مجلس را فوق العاده ذیقیمت دانسته از جواب گویی باعترافاتی که بخود شده است احتراز جسته ام ولی چون در جلسه اسبق آقای اسکندری در خصوص پدرم و حکومت موقتی و آلمانها و ژاندارم اظهاراتی نمودند مجبورم جواب عرض نمایم - حقیقتاً تعجب آور است حضرت اقدس والا که جقه چوبی را میزنند و پشت کرسی خطاب به تشریف آورده با مصونیت پارلمانی بزنند و مرده مردم تهمت و افترا و بده گویی را روا میدارند و این را یک نوع شجاعت و از خود گذشتگی و فداکاری فرض نموده و طوری این امر بنظر خود حضرت والا مهم و خطرناک جلوه گر میشود که يك مخاطرات حتی در نظرشان مجسم و کار را بوضعیت سیاسی میرسانند ولی من حیرت دارم چرا نسبت برداشتنی که در ۳۳ سال قبل واقعاً شجاعت فداکاری و از خود گذشتگی نموده وقتی دیدند قشون های اجنبی وارد

مملکت شده اند و در تمام شتون مملکتی دخالت میکنند بملأه معاهداتی از قبیل معاهده ۱۹۰۷ که شاهزاده بیان میفرمودند منعقد مینمایند و در صدد تکمیل آن هستند و از معاهدات دولت با سایر ممالک ممانعت می نمایند و بالاخره مراجع تقلید حکم جهاد داده اند این جمع که همگی از کوچکترین افراد تاراجال بزرگ همگی وطن پرست و پاک و منزه و فداکار بودند از همه چیز خود صرف نظر نموده وارد مجادله میشوند دو سال و خورده در بیابان ها در مقابل قوای عظیم اجنبی پافشاری و دلآوری میکنند و نشان میدهند که ایرانی ملت زنده ای است و زیر بار اجنبی نمیرود و راضی نمیشود اجنبی در شتون او دخالت نماید آن وقت شما که خودتان می بینم بمقام فداکاری و شجاعت عقیده مند هستید میروید بعد از سی و چند سال که موضوع متروک شده پرونده را بیرون می آورید و همه را لجن مال میکنید در این مطلب چه سر و رمزی است من نمی فهمم آخر اگر بر فرض حضرت والا در سلول ۱۶ یا ۱۷ درست خاطر ندارم پس پرریز کدام يك را میفرمودند شما سخت گیری نموده اند تقصیر بنده چی است پدرم چه گناهی دارد مهاجرت چه مسئولیتی دارد حکومت موقتی چه دخالتی داشته .

شما که معاهده ۱۹۰۷ را تصبیح میفرمائید چرا مردان را که برضد آن قیام نمودند و جان بازی کردند لجن مال میکنید تهمت میزنید که دیگر هیچکس از این کارها نکند و اما راجع بیول آلمانها و ژاندارم فرمودید اتفاقاً کمیته ای که با آلمانها مربوط بود در تهران بود و مرحومین مساوات و شاهزاده سلیمان میرزا و چند نفر دیگر که همگی از سرآمد رجال درست و وطن پرست و منزه بودند و بهیچوجه نظر انتفاع شخصی نداشتند عضو کمیته بودند بعد که قشون اجنبی برای جلوگیری از انعقاد معاهدات با دول دیگر جلو آمد و نزدیک بود تهران محصور شود لیدر های مجلس تمام رؤسای احزاب و رجال ملی همان فراکسیون دمکرات که در خصوص کابینه مرحوم صمصام السلطنه یاد آور شدید و همچنین فراکسیون های اعتدال و دست راستها همگی از تهران حرکت نموده در قم تشکیل کمیته نجات ملی را دادند و ژاندارم مرکز هم در حسن آباد و ریاط کریم تمرکز یافت ولی بعد بواسطه حمله ناگهانی و زیادی عده قشون اجنبی قوای ملی از هم یابید و عقب نشینی نمودند پس بر هم خوردن ژاندارم قبل از ورود پدر من بود . رجال مذکور مجبور شدند از قم حرکت نمایند در آن موقع هیئتی از طرف کمیته نجات ملی قم به همراهی مرحوم مساوات مأمور شدند از پدر من که ایالت بروجرد و استان خوزستان را متصدی بود تقاضا نمایند که ایشان وارد نهضت شده قوای پراکنده را تمرکز بدهند .

رجال مهم ملی دیگر هم که همگی از ولایات مختلفه سمت غرب هازم شده بودند همین تقاضا را نموده و بعد هم دستورات مرکز که یاقان خدمتگذار را تشویق نموده بودند مذاکرات در خصوص معاهدات را بنتیجه برسانند باعث شد پدر من با وجود اینکه احتیاج بهیچ چیز نداشت از همه چیز صرف نظر نموده داخل این نهضت بشود ولی فوراً هیئت حکومت موقتی را تشکیل دادند ایشان برای معاهدات تشکیل دادند ولی مثل این است که حواس باطن ایشان تلقین سکرتند که این امر ضروری است چون علاوه بر مسائل دیگر ممکن است بعد از ۲۴ سال دیگر هم باز تهمت و افترا بزنند در هیئت مؤسسان که اکثر از رجال درجه اول لیدر های فراکسیون ها منجمله مرحوم شاهزاده اسکندری که افتخار خاندان حضرت والا است و سمت مسئولیت امور داخله را داشت تا زمانی که حصه گرفت چون امور او را که دانده بود بجای ایشان جناب آقای ادیب السلطنه سبمی منتخب شدند - بودجه جمع و خرج تا يك شاهی در آن هیئت مؤسسان با دقت های امثال مرحوم مدرس و مرحوم شاهزاده سلیمان میرزا تنظیم و بعد در مجلس سی و چند نفر آقایان و کلامرکب از امثال مرحوم مساوات مرحوم مشارالدوله مرحوم دهمخوارقانی مرحوم استر آبادی و سایرین که هر يك بهترین نمونه صحت عمل و تقوی و شرافت بودند جزء بجزیره رسیدگی و تصویب می رسید .

متأسفانه در مملکت ما نینداهم چه سیاستی بوده تا حالا که سی و سه سال گذشته بایست دوسیه های را که را از زیر خاک در آورده بآنها تهمت زدو تعقیب و لجن مال نمود .

(در این وقت آقای وزیر دادگستری گفتند که من بنا بر مطالب بالا چیزی بحضرت والا اظهار نمی دارم جز این که بگویم : ابوالله شاهزاده) (خنده حضار)

اما درخصوص موضوع زندان باید عرض کنم که اگر من اشتغال دولتی قبول نمودم منظورم جامو مال نبود خداوند هر دو را بانضمام قناعت و تقوی بودن در مقابل رضای حق از قدیم بمن عنایت فرموده بود منظورم این بود که اگر بتوانم خدمتی بخلق نموده باشم آن وقت چطور میشود که از دو هزار و یانصد و کسری زندانیان مرکز هشتصد نفر بلا جهت زندانی باشند و من راحت بنشینم حضرت والا دونفر را باسم از این قبیل معرفی بفرمائید تا من دادیار و مسؤلین او که مسؤل این امور زندان هستند و حتی دادستان تهران را از کار برکنار کنم نواقص زندان چیز های دیگر است که فقط با بودجه و گذشتن لواهی که بمجلس آمده ولواهی که بعد تقدیم میشود و اصلاح میتوان نمود آن هم منوط به همراهی و مساهمت آقایان نمایندگان محترم است .

در حال من بارفغ نواقص و ترقیه حال زندانیان و ارفاق با آنها صد درصد موافقم و بعضی تصدی این شغل در صدد ترقیه حال آنها برآمدم شنیدم هیئتی بوده است باسم هیئت تربیت زندانیان که خدمات خیلی گرانبهائی نموده بوده ولی چندی بوده است که تشکیل نمیشود فوراً از هفته اول دعوت نمودم آقای حائری آقای و کلبلی از روز اول بودند و آقای تقی زاده هم جدیداً همکاری معاهدات را بنتیجه برسانند باعث شد پدر من با های آتشین قدم رنجه میفرمودند و همکاری نمینمودند

در مورد دیگر شنیدم کمیسیون بخشودگی چندی بوده تشکیل نمیشده فوری دعوت نمودم و مشغول شدند برطبق قوانین و مقررات جمعی را مرخص نمودند تا تخفیف دادند در جای دیگر شنیدم بعضی از بدهکاران مالی چون استطاعت ندارند و سابقاً هم بدهکاری را بیش از ده سال تسبیط نمینمودند و باعث میشد که بعد از ختم دوره زندانی در محبس میمانند تربیتی داده شد باشخاصی که واقعاً استطاعت کافی ندارند تسبیط های طولانی تری برای بدهی های آنها قائل بشوند در خصوص زندانیان نیت مذاکره نمودم تا آنجا که قوانین و نظامات اجازه میدهند حتی المقدور ارفاق نمایند وحتی محضری را تعیین نمودیم که بین مدیون و دائنی که سخت گیری میکند بکشد تا منشی اصلاحی بدهد که مدیون زندانی نشود .

محکمه چنانی چون يك محکمه است و قانوناً در يك استان نمیشود دو شعبه تشکیل داد و بخواهیم لایحه بیاریم طولانی میشود قرار دادیم اعضای آنرا زیاد کنند و صبح و عصر تشکیل بشود در کارها تسریع شود . حالا راپرت امور زندان را بر عرض می رسانم .

(شرح زیر خوانده شد) بطور کلی کسانی که در زندان هستند بدو دسته تقسیم میشوند يك دسته اشخاصی هستند که طبق اسناد رسمی صادره از محاکم محکوم شده اند دیگر اشخاصی هستند که تحت تعقیب میباشند و هنوز حکم قطعی در باره آنها صادر نگردیده اند دسته اخیر طبق قرارهای صادره از طرف بازپرسی زندانی شده اند اصولاً اداره زندان از نظر اداری تحت نظر دادستان کل میباشد و دادستانها در زندان نظارت و نظیش میکنند و جمع کل زندانیان کشور که در همه جا هستند تقریباً بالغ بر نه هزار نفر است نه هزار نفر هم حضرت والا تصدیق میفرمائید برای بازده میلیون جمعیت زیاد نیست اعم از محکوم یا کسانی که حکم قطعی در باره آنها صادر نشده است میباشد که از این عده دو هزار و یانصد و سی و هفت نفر در زندانهای مرکز و بقیه در شهرستانهای مختلف زندانی هستند نقص عده ای که در اثر تحقیقات برای زندانها معلوم شده ناشی از نسی مکان و محل است و همین جهت و از نظر توسعه زندانها که بخودی خود بهداشت و وضع غذا و رسیدگی بوضع زندانیان دارند دولت مصمم گردیده است که بهر نحو باشد رفع این نقیصه را بنمایند شکل اساسی نداشتن بودجه کافی برای این امر است (بعضی از نمایندگان همه را میخواستند بخوانند خواندن بقیه ضرورتی ندارد) .

عرض آخرم درخصوص مهر آباد است که حضرت والا فرمودید و میدانم این عرضم برای حضرت والا خیلی ناگوار است ولی چون خودتان مطرح فرمودید امیدوارم خورده نگیرید والا حضرت والا که برای مهر آباد چیزی باقی نگذارده اید و مهر آباد شیر بی باوسر و اشکم شده يك قسمت عده از اراضی آن بنیث حضرت والا رسیده و شنیدم حضرت والا بابت طایره خانه مهر آباد مبلغی مرتباً از دولت دریافت فرموده اید میخواهم این استفسار را بنمایم اگر من که یکی از هفت مالک مهر آباد هستم سهمی خود را از ارض پدر دارم حضرت والا که شش هفت سال قبل بیکتر زمین در غرب نداشتند و حالا میگویند در اطراف مهر آباد کاکلم آباد چی یعنی در حوالی طرشت مالک ۲۳ میلیون متر زمین شده اند که قسمتهای نزدیک میدان مجسمه در حدود متری ۲۰ تومان و قسمتهای دور ۵ ریال معامله میشود . وبالغیر دویست و سی میلیون تومان میشود این ارض از کی بحضرت والا رسیده است؟ متأسفانه طرح آقای طوسی از مجلس نگذشت

که باین ترونها و گنجهای باد آورده رسیدگی بشود آنوقت من که نمره زحمت ۲۰۰ ساله اجدادم را با شترانك صد نفر منسوبین و اعراقیان مصرف میکنم یقیناً در نظر حضرت والا ارتجاسی هستم و سرمایه دار و حضرت اقدس والا که باین ترونهاى هنگفت با پنج شش نفر قابل زندگی میکنند البته رنجبر هستند و میخواهید بارفقا هم تشکیل دولت بدهید اما اینکه دومتبه تعقیب آبنده را ارجاع بعبادت فرمودند حضرت والا افتخار بنده همان عبادت پروردگار است تنها استظهار وانگاری من بخداوند متعال است نه توجهی بجنوب میکنم نه شمال بهمین جهت از شخص حضرت والا ترسی ندارم اگر حضرت اقدس والا هزار حضرت اقدس والا بشوید و هر نوع حکومتی تشکیل دهید اگر کار بدی ننموده ام به محبس نمیروم و اگر خدای نکرده کار بدی بکنم شما هم نباشید محبس خواهم رفت و بحق خواهد بود این را هم بدانید لازم نیست آنقدر مراتب شوق بکناره گیری نمایم روزی که به بینم توفیق خدمت بخلق را ندارم خودم فوری عقبه را بوسیده کنار میروم چون من منظوری از وزارت ندارم . در آخر عرایض خودم چون من بششمن هم بدی روان میدارم در مقابل محبسی که حضرت والا برای من خواستند من وزارت حضرت والا را مسئلهت میکنم .

عباس اسکندری - بنده اخطار دارم .
رئیس - اجازه بدهید آقای وزیر اقتصاد ملی هم صحبت بکنند بعد بفرمائید .

عباس اسکندری - آنوقت دو تا دو تا میشود و بنده میترسم رشته را بگم .
رئیس - بسیار خوب بفرمائید .
عباس اسکندری - جناب آقای وزیر دادگستری بیاناتی فرمودند که در دو سه قسمت بنده بایستی عرایض را بر عرض آقایان نمایندگان برسانم يك قسمت راجع بایراد برض بنده بود در خصوص حکومت موقتی بنده خیال میکنم در جوابهایی که داده میشود باید گفته شود که حرفهائی که زده شد صحیح بوده یا نبوده بنده يك کلمه گفتم که بدریزر گوار شام تشکیل يك حکومت موقتی دادند و بنده که بعد از مدتها اسم شما را دیدم نگران شدم گفتم مگر آقای وزیر میخواهد حکومت موقتی تشکیل دهد ؟ جواب این بود که خیر ایشان نمیخواهند حکومت موقتی تشکیل بدهند و پدر من هم حکومت موقتی تشکیل نداده بود « شما اگر انکاری دارید باین که مرحوم نظام السلطنه رئیس حکومت موقتی بود باید بگویند تکذیب میکنم اگر بودند دیگر تکذیب ندارد بنده چیز دیگری نگفتم گفتم ایشان آمدند و حکومت موقتی تشکیل دادند بعد از این قسمت میآیم این مبحث را تجزیه و تحلیل میکنم که در يك کشوری مردم میتوانند عقیده سیاسی داشته باشند و مسئول عقیده خودشان هم هستند جوابش را هم باید بدهند و بعد با کمال سربلندی بگویند من این عقیده سیاسی را دارم مخالف قوانین مملکت هم نیست اگر هم هست این هم گردن بنده این هم زنجیر شما اگر پدر شما و بالاخره شخص شما رفتید و يك عملی کردید و يك عقاید سیاسی داشتید در عمل خودتان مصائب هستید اما نمیتوانید قوانین جاریه مملکت را بگویند که حکومت نکنند راجع بعمل شما عقیده بنده هر کس بر علیه حکومت مرکزی اقدام و قیام کرد مادام که آن قوانین بحال خودش باقی است او بایستی فراموش جرم خودش را ببرد از ذمات حقوق این عقیده بنده است حالا شما وزیر دادگستری هستید لایحه ای ممکن است بیارید بگویند شیر آقا اگر اشخاصی

تصور کردند که صلاح این است يك قیامی بر علیه حکومت مرکزی بکنند و حکومت موقتی هم تشکیل بدهند اینها آمده های خوبی هستند و منزه هستند چنین لایحه ای بیارید من هم شاید بلاجه شما رای بدهم اما تا وقتی که قانونی در مملکت جای است جز این راه ندارد بنده گفتم که شما وزیر خارجه حکومت موقتی بودید حکومت موقتی هیچ فرقی نمیکند چه در شمال باشد جنوب چه در شرق یا مغرب باشد این کار را کردید یا نکردید؟

عباس اسکندری - حضرت والا آن قیام بر علیه تزار و دولتهای خارجی بود ... جناب آقای رئیس ... بنده اجازه صحبت میفرمائید یا ایشان (خنده نمایندگان) پس در اصل قضیه بنده خیال میکنم که هیچکس با بنده اختلاف نظر ندارد یعنی آن عمل صحیح نبود مردمانی هم اگر بودند خوب بودند بجای خودش فرق بسیاریست بین کسانی که با عقاید سیاسی و آزادانه در مهاجرت شرکت کردند و کسیکه مأمور دولت بود در همین جادرم مجلس چهارم سید بزرگوار و شهید مدرس آمد و گفت ما رفتیم بخط هم کردیم و خسارت وارد آوردیم و حاضر هستیم اگر ملت ایران خواست يك جرایمی برای ما تعیین کند بکنند ما هم روی يك عقایدی رفتیم و اشتباه کردیم (مکی - نکته اشتباه کردید گفته محکمه ای هنوز تشکیل نشده که تشخیص بدهد) بنده بنده آقا هر کس که اصولاً بر علیه حکومت مرکزی قیام بکنند مرتکب جرم است جرمه و گناه خودش را باید ببرد از این عقیده بنده است تا وقتی که قانونی هست باید معتبر باشد (بر زمین خود شما هم تشریف داشتید در جماعت) بنده ستم اقتضا نمی کرد و اشاره که بشاهزاده سلیمان میرزا فرمودند و آقای مدرس آقای حکمت بسیاری از مردم که آنجا بودند آنها هم مردمانی خوب بودند اینرا حرفی ندارم ولی نوکر دولت نبودند ولی نظام السلطنه حاکم لرستان بود ژاندارم نظامی ها که باو سیرده شده بود با خود بیدان جنگ برد و فرق بسیار دارد با کسانی که عقاید سیاسی داشتند اصل قضیه را نه بنده گفتم اینست هر وقت هر کسی بر علیه حکومت مرکزی و قوانین موضوعه عملی نمود مادامی که آن قانون جاری و جاری است آن عمل غلط است این عقیده بنده است قسمت دو با راجع بزندان است بنده بسر کار تذکر داده ام که اگر قوانین رعایت نشوند شما و بنده و هیچکس مسیون و محفوق نیست میفرمائید هست ؟ وزیر دادگستری هستید يك لایحه بیارید بگویند هست گفتم کار بجایی میرسد در روزگاری که خود سری حکم فرمائی بکنند شما اگر مهر مهر آباد را از دل بدر کنید باز میگویند کافی نیست در مقابل خود سری باید يك دیوار فولادی از قانون ساخت جناب عالی بی جهت متأسر شدید و يك چیز دائمی که مربوط بدفاعتان بود نفرمودید بنده خیالی گند باز هم تکرار میکنم بیانی را که راجع بزندانیان در اینجا کردم به موضوع همی است که همه می فهمند و همه میدانند که من در اینجا قصد استفاده خاصی ندارم من بگویم زندانی اگر بموجب قانون هم بایستی از اجتماع برای يك مدت و یا همیشه طرد شود زندان محل انتقام و شهوت رانی مأمورین زندان و زندانیان نیست (نمایندگان - استصاحب صحیح است) اگر کسی غیر از این میگوید بگویند همه آقایان نمایندگان هم تصدیق کردند جناب عالی بزندان نرفته اید امیدوارم ترونها و لایحه ای نباشد (خنده نمایندگان) این زندانها را گفته اند و بیان من برای شما حاجت است .

رئیس - راجع بنده ۱۰۹ بفرمائید

اسکندری - همین را دارم عرض میکنم چون ایشان اصرار دارند که این موضوع گفته شود بنده خیال میکنم همانطور که موافقت فرمودید از آقایان نمایندگان هم تقاضا دارم که از هر شبه ای دورتر معین شوند و بروند وضع زمان را به بینند این برای آبرومندی کشور ما ضروری است (نمایندگان صحیح است) اما راجع به آباء که فرمودید با اینکه وزیر دادگستری هستی ولی من شما را بسیار مرد با احتیاطی میدانم دوسیه هارا در يك مدت زیاد با کوتاهی هم باشد دستکاری نمی کنید دوسیه هارا اگر ملاحظه فرمائید معلوم میشود مهر آباد بعد از من تجاوز کرده است بدآم که مأمورین آمدند يك قسمتش را هم نتوانستند از شما بگیرند بهر حال چون صحبت آن در اینجا در اصل دوسیه بی اثر است چیزی نمی گویم اما من خیلی خوشنودم که این صحبت اینجا شد در مجلس که بعضی از آقایان از راه معیت یا بیهری کار نامر وقت دیدند بسمت نماینده وارد مجلس شدم يك ترس ورلز مصنوعی و يك توبه ای پیدا میکردند و می گفتند که عباس اسکندری آمده در مجلس و میخواهد ایران را بشويزه بکند خیلی خوشوقتیم که جناب عالی دوست وسی میلیون تومان از دارائی بنده را اعلام فرمودید که بنده دارم ولی خبر ندارید پیش از اینهاست بنده بازم دارم در ملکتی که داشتن طبق قانون اساسی مجاز است و جرم نیست بنده میگویم دارم این که شما حساب کردید خیلی کم است هفتصد و هفتاد میلیون هم اضافه بر این دارم فقط چیزی که هست اینست که به بینم من بکسی تجاوز کردم ؟ حق کسی را بردم ؟ کی مدعی خصوصی من است ؟ جناب عالی اگر مدعی خصوصی بنده هستید فرمائید بنده خیال میکنم شما حساب رقم را ندارید این رقمی که شما حساب کردید مبالغه آمیز بنظر میآید وعادت شایسته ایرانی است که یکبار مطلبی را می گوید و بار دوم می گوید هزار بار گفتن و اگر میل دارید در محضر مجلس خدمتی بشایندم و این ۲۳۰ میلیون تومان را شما میدهم آن صد هزار تومان و دوست هزار تومان مهر آباد را از شما میخرم چه ضرری دارد (یکی از نمایندگان - آقا مجلس که جای معامله نیست) چه ضرر دارد يك همچو کاری بکنیم که هم شما بتوانید بیعت بیشتری مشغول باشید و هم يك استفاده ای کرده باشید بدینست اینجانبان يك معامله را هم با شما بکنیم بقیه املاکنا هم مال خودتان ولی این جواب حرف بنده نیست من میگویم آقا شما که وزیر دادگستری هستید دادستان شما باید هفته ای دو دفعه از زندان وزندانان صورت داشته باشد این کار هم برای دنیای شما و هم برای آخرت شما خوبست چون از مقام ریاست هم در همان جلسه ای که منقضی شد اجازه خواستم که راجع بدو مذاکره ای که از طرف آقای مسعودی و دهقان شد از ۱۰۹ استفاده بکنم و حالا اجازه میخواهم آنها را جواب دهم

رئیس - نه بگذارید بعد بدهد فرمائید

عباس اسکندری - آخر اینها مقدم است نظامنامه ای بر هر چیزی مقدم است

رئیس - فرمائید ولی بطور اختصار وقت مجلس گرفته نشود

عباس اسکندری - آقای دهقان و آقای

مسعودی يك مذاکره ای اینجا فرمودند در جواب بیاناتی که بنده اینجا کردم يك قسمتش بعنوان جواب بود و يك قسمتش هم انشاء آقای دهقان بود سعی میکنم که خیلی مختصر بگویم و نیز رعایت ادب را کرده و میکنم کوبنده میگوید

دهقان سالخورده چه خوش گفت باسر کی نور چشم من بجزاز کشته ندروی من خیال میکنم که آن دهقان سالخورده هم یدر بزرگوار همین دهقان جوان ما باشد ولی متأسفانه پسر ناخلف است

رئیس - آقایان از جرایم مواظب باشند که خنده نکنند و نظامات مجلس را رعایت نمایند

عباس اسکندری - يك مذاکره ای اینجا فرمودند بنظر بنده بسیار خوب بود وجود بنده و شما هر دو برای همدیگر لازم و ضروری است اگر بنده باشم در اینجا خیال میکنم خیلی اسباب ناراحتی و شما در زحمت خواهید بود بنده درخت طلای شما هستم آقای دهقان من باید باشم تادرها بروی شما باز شود تا شما احترام بکنند شما را ببرند در عمارات مجلل بشانند ولی روزیکه بنده نبودم از صد ذرع فاصله با چماق پای شما را می شکند دیگر شما را راه نمی دهند شما باید شب و روز يك دکتر معین بکنید که نبض مرا بگیرد که من سلامت مزاج داشته باشم تا برای شما يك وسیله ای باشد اما بجز شما بطور برای بنده لازم است ؟ همانطور که تاریکی باید باشد تا اینکه بفهمند خورشید در خشنه یعنی چه باید سردی و خشکی شب پیدا باشد تا مردم قدر بهار را بدانند و از آن لذت ببرند وجود جناب عالی برای بنده لازم است باید صحبتی که اینجا میفرمائید ملت ایران و همه بهفهمند که من چه میگویم والا اگر شما این فرمایشات را نکنید خیال میکنم همه اینطورند حالا برویم سر اصل موضوع شما مطابق اسمی که دارید (دهقان) مثلثان مثل آن زافی است که راه رفتن کبک را میخواست یاد بگیرد راه رفتن خودش را هم فراموش کرد شما دهقان نیستید برای اینکه مطابق قاعده دهقان باید پشت گاو آهن باشد یا زنده شانزده ساعت کار بکند شما را با دهقان چه مشابهت است و همه میدانیم که دهقان در مملکت ما عمر اولین مملکتی که صدی ۹۶ سواد ندارند اگر واقعا دهقان هستید وجودتان در مجلس مورد ندارد شما بر اثر حسن تصادف روزگار و مجتهدای آقایان مسعودیها که واقعا همان طور که گفتیم شما باید نه شناسی داشته باشید نسبت با آنها که بسیار بشما کمک کردند و همه چیزتان را درست کردند و خیلی هم شما باید قدر شناسی باشید

مسعودی - حق ندارید بایشان توهین بکنید آقای اسکندری

اسکندری - خوب من هم میگویم بعد جواب بفرمائید

دکتر عیبه - ممکن است يك جلسه را برای اینکار معین بکنیم

مسعودی - حق ندارید اسم بنده را ببرید

اسکندری - نسبت بایشان محبت کرده اید یا نکرده اید ؟

مسعودی - شما حق ندارید

دهقان - آقا آنچه که من گفتم جواب بدهید اینها حاشیه است حاشیه نروید

اسکندری - اصل در مملکت ما اینستکه...
دهقان - آقا اسم پدرم را چرا میآورد این بطور وضع مجلس است ؟
رئیس - ساکت شو شما هم باو میگوئید جاسوس آخر ایهم باید جواب بدهد شما نمی فهمید چه میگوئید خودتان باید احترامتان را نگاهدارید آقای اسکندری از شما هم خواهش میکنم صحبتتان را بگذارید برای بعد

اسکندری - پس حق من باید محفوظ باشد خدا آقای رئیس را بداد شمارسانید از آقای رئیس ممنون باشید

رئیس - آقای دکتر شادمان بفرمائید

دکتر شادمان (وزیر اقتصاد ملی) - با توجه باین مطالبی که اخیراً در اینجا گفته شد و با توجه کامل باین معروفترین ماده نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی عرض میکنم که دفعه پیش آقای اسکندری يك بیته اینجا خواندند و بنده بوکالت از طرف دولت عرض میکنم که صحیح است اگر اثبات شود که وزارت بدست کسانی خطاست که از دستشان دستها بر خرد است (فراموزی - ایشان شعر را خرابتر از این کردند) بنده در اینجا مضامین خود آقای عباس اسکندری هستند که خیلی محفوظات دارند در هم و برهم تاریخ و منطق قدیم و جدید همان بیت را فقط برای ایشان میخوانم زیرا در مشاره باستی با مشاره صحبت کرد این را هم میگویم که ایشان بشنوند و کالت بدست کسانی خطاست - که گفتارشان جمله باد هواست (احسنت - خنده نمایندگان) حالا بنده این را مضموناً خواندم برای آقای اسکندری چنانکه همه آقایان میدانند اتفاقاً در زبان فارسی دو کلمه وزارت و کالت از حیث وزن و حتی از حیث عدد و حروف یکی است و در هر شمری و نثری میشود اینها را بجای هم گذاشت و چقدر خوب است که اینطور است برای اینکه وکیل خوب هواخواه وزیر خوب است در يك مملکت دموکراسی وزیر خوب مطیع اکثریت و کلاهی خوب است و باستی باشد و بالجملة با آقای اسکندری برادرانه چون هر چه باشد برادر وطنیم عرض میکنم که ایشان باید بدانند که تعریف لفظ در اشعار کار مشکلی نیست فقط در مجلس و در پیشگاه ملت ایران باید مطالبی گفته شود که یکدقیقه وقت این ملت این ملت بزرگ ضایع نشود چیزی گفته شود که دلیل داشته باشد زیرا هرگز نباید چیزی دلیل در این مجمع بزرگ گفته شود بنده با گفته های آقای اسکندری همان معامله ای میکنم که ملت ایران و اکثریت مجلس شورای ملی ایران آن معامله را میکنند ایشان خیلی خوش بیان هستند خطیب خوبی هستند ما سخنان ایشان را میشنویم ولی گوش نمیدهیم و میخندیم بآن بیان و لکن اکثریت مجلس شورای ملی این مملکت بکرات نشان داده است و همچنین ملت ایران نشان داده است که ما وقتیکه يك مطالبی را میشنویم می سنجم و آنچه مطابق مصالح این ملت است که آقایان بسمت نمایندگی و ما بسمت منتخب بودن از طرف اکثریت این ملت مواظب آنها را انجام بدهیم و آنچه مسلم است اینست که با آقای



اسکندری و یا اکثریت مجلس شورای ملی که دائماً در مصالح کلی در رأیهای مهم ثابت شده است که با هم توافق رأی ندارند و این چیز بدی نیست در مملکت دموکراسی اقلیت محترم است و باید عقیده خودش را داشته باشد و اکثریت هم که محترم است و متمتع مثل اینکه یکی از این دو یا اکثریت مجلس یا آقای اسکندری باین دو بیت سندی کار میکنند

حذر کن زنانه دشمن گوید آن کن که بر زانو زنی دست تقابن کرت راهی نماید راست چون تیر از او بر گردد راه دست چپ گیر

و حتی آقای اسکندری هم میدانند و بحکم قانون و اصول آزادی و دموکراسی باید با من هم عقیده باشند که مجلس شورای ملی ایران هرگز جز در راه راست نیست و متأسفانه باید گفت که بنده که تازه باین مجلس میآیم و آقایان را می بینم ولی نوشته های ایشانرا خواندم و عقاید متناقضشان را شنیدم آنچه که مسلم است ایشان هم حتی راه دست چپ را نگرفته اند و بعقیده بنده باستی همه ما بخواهیم که خداوند ایشانرا از این بیراهی و گمراهی نجات بدهد (زنك رئیس) (همه نمایندگان)

بنده عرض کنم بنده نو کرد دولت ایران بودم و شخصی هستم که آقای اسکندری و هر کس در آنچه که راجع به بنده شنیده است و هر کس از ۱۵ میلیون افراد این مملکت میتواند قصوری تصمیمی خطائی بر علیه این مملکت بر علیه مصالح این ملت کرده ام بگویند و مرا بموجب مقررات این مملکت مجس ببرند و اگر خیانت کرده ام تیر بارانم بکنند ولی من که با ۲۵ لیره حقوق در ماه معاون نمایندگی دولت ایران بودم در انگلیس و مصالح این مملکت را آنجا حفظ میکردم (صحیح است) يك نفر حق ندارد من و امثال من را تهدید بکند اگر شما معتقدید که تمام این کارهایی که مهم است بدست ایرانی باشد و آن ایرانی در دنیا شد من یکی از آن ایرانیها هستم (صحیح است) و اگر معتقدید که این کارها را باید بدست انگلیسها داد و آقای منتصر داماد نائب آقای اهل الملک را که یکی از اشخاص خوب هستند و سایر افراد ایرانی اینها را از شرکت بیرون بکنیم و کارها را بدست انگلیسها بدهیم آنوقت است که شما میتوانید بن بگوئید من حق ندارم در حضور این مجلس این مملکت در مقابل اکثریت نمایندگان این ملت این ملت بزرگ که زنده است هم با آقای اسکندری اجازه میدهم مطالب خودشان را بگویند و هم متحمل شده که منم از درستی و امانت خودم با این اطمینان دفاع بکنم (صحیح است) آقایان باید تحمل بفرمایند و بگذارند که منم بعد از بازده سال خدمت در بزرگترین جائی که امانت و وطن پرستی باید باشد خدمت کرده ام و خیانت نکردم و دشمنان من و مخالفین من حرمت ندارند کوچکترین جنحه و جانی بمن نسبت بدهند چرا من حق نداشته باشم در اینجا بگویم که باین ترتیب است که میخواهند در ملت ایران نطفه یأس و نومیدی را بکارند و بگویند که جیب امور این مملکت بدست بیگانه است

این است بزرگترین بی خدمتی کردن بنده میفهم چه میگویم این است بزرگترین نا خدمتی باین مملکت که با آب میدهد نان میدهد سایبان میدهد شما میفرمائید بنده بروم و قبول خدمت کنم در یکی از بزرگترین شرکتهای مهمه مالی مصالح مملکت را دفاع بکنم و اگر کردم بیایم اینجا و دولت من که درست هست و باین واسطه قبول کردم با او کار بکنم او بتواند من را بیاورد و بگوید تو بیا همانطور که نوکر دولت ایران بودی و وقتی که ترقی خواست بدهد ترا ماهی ۳۰ لیره داد و وقتی که زیاد تر کرد صد لیره بتو داد همین آخرین حقوق من است که آدم من حق دارم در این مملکت بنام این ملت بنام جوان های این مملکت که دزد پیشه نیستند و اطمینان بنفس دارند من تمام نام و بزرگیم وابسته باین مملکت است من راضی نخواهم شد که باشاره و تلویح بگویند ۰۰۰ و من ثابت خواهم کرد اگر جنبه شخصی داشت بنده هیچ این مطالب را نمیگویم ولی آقایان متوجه هستند که اولین ماده استیضاحی آقای اسکندری مربوط است بنفت و ایشان گفتند که چون بنده کمیسر رفت بودم ۱۵ سال در آنجا پس این کابینه نفت است نباید يك کسی که از میرابو و دمستن حق و عدالت حرف میزند نباید بگویند ای جوان های مملکت اگر شما ۱۵ سال در کارهای مهم بودید و خیانت نکردید و اطمینان بنفس داشتید شما از حقوق محرومید وزارت را باید گذاشت بعهد اشخاص نامطمئن و ما یوس بنده ما یوس نیستم بنده با بجهت است که بشوخی يك کلمه ای برای خودم انتخاب نکرده ام که میگویم ملت بزرگ ایران تکرار میکنم آقا باز هم تکرار خواهم کرد که مایک ملت بزرگی هستیم (صحیح است) با جمیع کسانی که ست نیستند و ما یوس نیستند ما زنده ایم و شکر خدا مجلس داریم که هم آقای اسکندری مجاز است که در او هر چه میخواهد بگوید و باید چنین هم باشد و منم باید اجازه داشته باشم که در این مجلس بزرگ که در حق خودم از حق خودم حرف بزنم و دفاع بکنم بنده با تمام چیزهاییکه شنیدم از آقای اسکندری باستی عرض کنم که ایشان يك جسارت و شهادت بزرگی دارند در اینکه در تاریخ در منطق و همه اینها صحبت بکنند چه خوب بیاد میآید که وقتی که این مطالب را شنیدم بیاد حکایتی افتادم - (معروف است که معلمی فارسی درس میداد و فارسی نمیدانست شاگرد دانش جمع شدند که آقا شما چرا با فرانسه درس نمیدهید گفت که من فرانسه نمیدانم گفتند آقا شما این فارسی را که درس میدهید مگر میدانید ؟ خوبست آقای اسکندری بجای این منطق و تاریخ و تشویق بجوای این مملکت که میخواهند کار بکنند اینها ریاض نمید بیایند و بگوئید که من با کابینه جناب آقای هژیر مخالفم باین دلایل و تشخیص آن نه با من است و نه با ایشان یا نمایندگان اکثریت مجلس است و با افراد ملت ولیکن با چه عنوانی میشود بنده را از حقوق حقه مدنی خودم محروم بکنند بنده خیال میکنم که آقای اسکندری خوب است بیشتر دقت بفرمایند و بیشتر مطالعه بکنند نطق سیاستمداران بزرگ عالم را خیلی حقایق هست که باید گفت حقایقی هست که شخص نمیتواند بگوید يك چیزهایی باید گفت که بنفع این ملت باشد بنده

عروض خردم را مختصر میکنم چون وقت میگذرد و بیشتر وارد آن جنبه ای می شوم که مربوط بخود من است بنده از بنده گویی هیچ خوش نمی آید و هیچ مایل نیستم مطلبی بگویم یا شهری پیدا بکنم که میتوانم مجلس را بخندانم آری من ایرانم و معتقدم که این مملکت را میشود ترقی داد و زحمت میکشیم و تاجائی که ممکن است و مجاز دفاع خواهم کرد از حق خودم و از حق این ملت و بنده در اینجا تندی میکنم و مخاطب بنده الان جرایم ایران است و افراد ملت ایران که باین نکته باید توجه داشته باشد و بنده تندی میکنم از آقایان که اگر شده است برای دودقیقه خود را از هر فکری خالی بکنند و باین عرض بنده توجه داشته باشند که ما ممکن نیست استقلال سیاسی داشته باشیم مگر اینکه استقلال فکری داشته باشیم و ممکن نیست استقلال فکری داشته باشیم مگر اینکه مطلق بنفس باشیم و اگر گفته شود که يك شرکت میتواند در يك مملکت مستقل اعضای خود را طوری انتخاب کند که وابسته باو باشد این نطفه یأس و نومیدی در تمام ایران خواهد کاشت و ما باید بگوئیم و همینطور هم هست که ملتی هستیم مستقل و آبرومند دنیا همه باهم رابطه دارند و هر چه باید گفت و هر چه باید کرد بارهاست و مصالح این ملت است بنده هیچ نمیخواهم در آن چیزی که آقای اسکندری خیلی در آن استاد هستند و بیان خوبی دارند با ایشان مجادله بکنم ولیکن خود آقای اسکندری که از جن مینانند و از سقراط و دمستن حرف میزند باید وجداناً بنده را مجاز بدانند که در این مجلس بگویم که چنین نیست که ایشان میگویند اولاً اینجا يك نکته هائی است که باید توضیحاً عرض کنم آقای اسکندری که بتاریخ ماقبل اسلام مابعد اسلام را چه میفرمایند خوبست در باب اولین و مهمترین ماده استیضاح خودشان لا اقل امتیاز نامه که اسم صحیحش قانون اعطای امتیاز است یعنی قانونی که خود مجلس شورای ملی گذرانیده است این را توجه بفرمایند و لفظ منسوخ را در وقتیکه اسم بنده را میآوردند نگویند کلمه کمیسرو کمیسار را لغو شده است بموجب قانون ایران در آنجا نمایندگی دارد و بنده نوکر دولت ایران بودم بنده میگویم و برای توضیح عرض میکنم که تمام حقوق از خزانه این مملکت رسیده است و هیچ نوع وابستگی جز مأموریت از طرف دولت برای رسیدگی بکارهای شرکت موافق این امتیاز نامه بنده نداشتم و آن وقت يك نکته دیگری را باستی عرض کنم و بنده ساده ۱۵ را برای آقایان میخوانم که دولت حق تعیین بکنفر نماینده را دارد و نماینده مزبور مأمور دولت شاهنشاهی نماینده شده است فقط بذكر لفظ دکتر شادمان و کمیسر نفت قانع شدند و گذشت یکبار دیگر که خیلی مهم است و تکلیف این دولت و تکلیف هر دولت وطن پرست مثل این دولت است آنست که این را اجرا بکنند ماده ۱۶ امتیاز نامه است که بموجب این ماده باستی ایران شرکت نفت توافق داشته باشند و سابقاً به طور تصاعد از مأمورین غیر ایرانی کاسته و بر مأمورین ایرانی بفرمایند پس ما باید متشکر باشیم فرض اینکه آقای اسکندری بتوانند و بخواهند و موافق مصلحت مملکت است که این امتیاز نامه لغو شود تا امروز آقای منتصر و دیگران

ایجاد میکنند و شما نمی توانید در کابینه شرکت کنید و اظهار نظر در مقدرات مملکت بکنید شما نمیتوانید هر کار شایسته ای که حقوقش بیشتر باشد داشته باشید ولی با شرکت شما در کابینه با این نظری که اظهار کردید مغالطه و بازم تکرار میکنم مغالطه هستم.

رئیس - آقای نخست وزیر

آقای هژیر (نخست وزیر) - بنده خیلی معذرت میخواهم با وجود اینکه سینه درد دارم و با وجود اینکه خیلی از وقت گذشته ولی ناچارم امروز بگفتم بیشتر تصدیق بدهم چون دو موضوع مهمی که مطرح شد یکی راجع به نفت بود و یکی راجع به کار ارز خودم باید حضور آقایان توضیح عرض کنم اولاً در قانون اساسی يك ماده ایست که البته درست هم هست که نوشته است، اساس مشروطیت جزئاً و کلاً تعطیل بردار نیست، یکی از لوازم مشروطیت هم استیضاح است و بنده خوشوقتیم که این مطلب هم در مورد بنده یعنی استیضاح هم تعطیل بردار نیست و پشت سر هم شروع شده با استیضاح از جمله استیضاح کنندگان یکی آقای عباس اسکندری است ایشان بشوخی و مزاح و شعر و نظایر آن مطالبی فرمودند که اگر بنده سینه درد نداشتیم از آقایان استعفا میکردم يك جلسه اختصاص بدهند عرض میکردم که بنده هم ملایم ولی چون مطالب گفته شده آقای اردلان را نمیتوانم بیجواب بگذارم استعفا میکنم موافقت فرمایند بگذاریم برای روز دیگر باینجهت بنده معارضه بمنثل نمیکند، يك مطلب دیگر هم روز گذشته در ضمن بیاناتشان فرمودند که رفقای خیلی صمیمیشان بایشان تبریک گفته اند از بیاناتی که فرموده اند و عنوانش این بوده است که شعر و شعر گفتند، و شعر فرمودند بنده چه عرض کنم در هشتم تیر برنامه این دولت تصویب شد، در بیست و نهم تیر آقای عباس اسکندری استیضاح فرمودند هر کسی که از خارج این رمالا محظوظ بکنند تصور خواهد کرد که دولت در ظرف این بیست روز يك کارهای نازوائی کرده که ایشان مجبور شده اند باینکه استیضاح بکنند اما ایشان در ورقه استیضاحیه شان توضیح داده اند که خیر صحبت گلزاروائی نیست من میخواستم در برنامه دولت صحبت کنم نوبت بمن نرسید، آنچور نشد حرف بزنم حالا اینچور استیضاح میکنم پس منبای استیضاح اینک کار خلاقی از دولت دیدند نیست، منبای استیضاح ایران است که بتوانند حرف بزنند (باتماقلیچ - شعر بود) بعد از اینکه فرمایشاتشان را در روز گوش کردم معلوم شد که خیر آقا ایشان اصلاً منتظر برنامه نیستند میفرمایند با دولت آینده مغالطه، با سابق هم مغالطه بودم با فعلی هم مغالطه با آینده هم مغالطه یعنی ایشان منتظر نیستند حتی برنامه ای داده شود وقتی دولتی تشکیل میشود و معلوم شود، پیش پیش بطور مساعده ایشان مغالفتند، پس این طور استیضاح و مخالفت یعنی نفی مطلق، یعنی با همه چی مغالطه، خوب حالا بنده در مقابل يك چنین استیضاح کننده ای چه عرض کنم، هر چه بگویم مخالفتند ایشان با نبود مخالفتند بنده که هنوز بودی دارم، یکی دو هفته هم در روز

و هم امروز مکرر راجع بیک مطلبی میفرمایند که اگر شرکت نفت ایران و انگلیس مجاز است یعنی خودش را ذبح میداند که این قرار داد را نمیشود ملغی کرد، این را یک طرفه نمیشود ملغی کرد چرا میگویند، دو بار، سه بار چندبار میگویند (عباس اسکندری - دفاع از نفت میکنند) صبر کنید که هر چه میخواهم بگویم بنده نمیدانم که اگر این حقیقت معزز است چرا متصل میفرمایند که غرض خصوصی ندارم، میگویند، می اول، می آخر متصل میگویند که غرض خصوصی با کسی ندارم مصالح مملکت است، خوب اینکه چیزی نیست مشک آنست که خود بروید، نه آنکه عطار بگوید خوب همه میدانند، همه مردم میدانند که جناب عالی بجمادائه غرض خصوصی با کسی ندارید احتیاج به توضیح نیست، بنده امروز در مقام دفاع بر نمیآیم ولی يك نکته را ناچارم عرض کنم چون خودشان را تیرمه فرمودند که جز مصالح مملکت نظری ندارند بعد بیک مناسب فرمودند که جمعی از اطرافیان اعلیحضرت شاهنشاهی که مورد عطفوت هستند در يك محیط ریاکاری و تزویر و تملق يك مطالبی را می عنوان میکنند و برض میسرانند که حقیقت ندارد باین مناسبت ناچارم عرض کنم بنده اینقدر که خودم میدانم کسانی که در سایه لطف اعلیحضرت همایونی هستند یقین و ایمان دارند باینکه نیابت هالیه و خیر خواهانه ایشان بیشتر و بالاتر از هر فردی خواهان رفاه و آسایش مملکت و سعادت مردم است بملاوه باید عرض کنم که کسانی که مشغول خدمت هستند و خودشان را زیر سایه ایشان میدانند و مورد عطفوت ایشان هستند هیچ خودشان را در وطن پرستی و وفاداری و حقیقت گوئی از آقای عباس اسکندری کمتر نمیدانند (صحیح است) زرانند و گان را آبش برزند، پدید آنکه آید که مس یاززند، در مورد دیگران است که خداوند میفرماید و اذلقو الذین آمنو قالو آمنا و اذاخلوا الی شیاطینهم قالوا انما هم انما نحن سنهزؤن الله يستحزبونهم (حاذقی - ویدهم فی طغیانهم یعمهون) (خنده نمایندگان) (زنک رئیس) آقای اسکندری همکاران بنده را هم اسم بردند این قوم و خویش و پسر خاله و پسر هم و برادر زاده و همه را شمردند و مربوط به نفت کردند و گفتند يك دستگاه نفت است اگر میل دارند بنده هم بشمارم جناب عالی هم پسر هم، پسر خاله تان همه را بشمارم که با نفت مربوط بود از شمال و از جنوب و از شرق و از غرب اگر میل دارید و اگر بصرف اینکه يك کسی يك جایی با نفت مربوط باشد این را، می بهم مربوط کردن و اینکه ممکن است این آدم را منتهم کرد برای جناب عالی هم زیاد است و خیلی از این دستها وقوم و خویشها است و گمان نمیکند که انصاف جناب عالی طوری باشد که بصرف اینکه کسی با کسی منسوب است او را بیک موضوعی مربوط کرد و اگر اینطور باشد بنده هم برای جناب عالی میتوانم کسانی را بشمارم که قوم و خویش جناب عالی اند (عباس اسکندری - بنده چنین حرفی نزد) اما در این جا يك نکته از بیاناتی که میفرمودند بنده یادداشت کردم خلجانی در فکر بنده ایجاد کرد و این بود که دو مطلب فرمودند که نفت جنوب اینکارها را میخواهد

بکنند و حال آنکه بنده اطلاع ندارم و در صورتیکه بنده بستم نماینده دولت ایران باشم که نفت صحبت می کردم هم در کابینه آقای قواء السلطنه هم اخیراً مطالبی را که میفرمایند بمن نگفتند حالا شما از کجا اطلاع دارید که يك چنین خیالی دارند نمیدانم و فرمودید که شرکت خیال دارد صافه خانه در ایران بسازد منتهی اول که باشا مذاکره میکند خواهد گفت که ما میخواهیم تصفیه خانه را در لندن بسازیم بعد شما که چک و چونه میزنید بکنید خوب حالا میآئیم در ایران می سازیم و شما این را بعنوان خدمت وانمود میکنید بنده از اینکه شرکت نفت يك چنین خیالی دارد اطلاعی ندارم و در این باب اصلاً چیزی بنده نگفتمند مطلب دیگر اینکه فرمودید بنده میلیون لیره اطلاع دارید اختصاص میدهند به پائین آوردن قیمت نفت در مملکت، بنده که این اطلاع را ندارم و اگر این اطلاع را جناب عالی قبل از بنده داده اند میفرمایند که لاف اول زودتر منافع مملکت را تأمین میکنیم، اما متن استیضاح ایشان که سه مطلب بود یکی زندان که توضیح فرمودند اینها هم مربوط نیست و من اینها را بطور مثل عرض میکنم که ممکن است یک روزی این رویه ما را بجائی برساند که همان زندان های ناسالم و مربوط و غیر انسانی هر چه هست اینها دو مرتبه برقرار شود مطلب دوم روزنامه ایران ساز تریبون دناسیون در يك تاریخی يك چیزی نقل کرده چرا دولت عمل خودش را انجام نداد، يك دوست من از لندن يك غفلی بمن نوشته خوب دولت چرا بمطالبی که دوست من نوشته عمل نمیکند حالا استیضاح از این منتهم ترو دلیل از این کافی تر عرض میکنم که آقا وضع زندان اینطور که آقای وزیر دادگستری هم توضیح دادند در اینکه معایب و نواقصی دارد هیچ تردیدی نیست بنده آدم تصدیق میکنم و میدانم اما معایب و نواقصی در درجه اول مربوط به تأمین يك اعتبار کافی است و امیدوارم در این بودجه ای که تصویب میفرمایند اعتبار کافی بشود برای این کار منظور کرد و با آن اعتبار بشود زندان تازه ای ساخت، این يك اشکال اساسی است چون می گویند زندان گنجایش این اشخاصی را که باید در توقیف و در حبس باشند این زندان فعلی ندارد باید ساختمان تازه ای ساخت و وسائل راحتی زندانیها را فراهم کرد اما ضرورتی که دارد از حیث مراقبت و سرپرستی مرتباً هم رسیدگی میکنند و واریت میدهند و آنها را هم که ممکن است اصلاح میکنند پیشنهادی را هم اگر بکنید بنده قبول دارم آن پیشنهادی که شما کردید که نماینده ها انتخاب شوند برون رسیدگی میکنند بنده هم قبول دارم هی فشار بیآورند، می اصرار بکنند یا نطق قبل از دستور بفرمایند سؤال بفرمایند بازم استیضاح بفرمایند برای اینکه حتی المقدور و زود تر و بهتر بشود وضع زندان را تأمین کرد بنده موافقم، اما چیزی که بنده می خواهم با اطلاع کافی عرض کنم این اطلاعی که به آقا رسانیده اند صحیح نیست، کسی را در این اوان به شلاق می بندند، نه می زنند و نه شکنجه میدهند و نه آزار و عقوبت بنده خدمتتان عرض میکنم خدمت همه آقایان اوقاتی که برنامه دولت این جا مطرح بود در روز از صفوف تماشاچها به بنده بد گفتند، جرم مشهود در مجلس شورای ملی کردند، در مقابل نظر نمایندگان محترم دفته



اول دو سه تائی که تظاهر کرده بودند گرفتند و آزاد کردند، دفته دوم چند روزی حبس قایل اتباع برای آنها نوشتند که خریدند و آزاد شدند حالا اگر بنا بود که بنده این جا آمده باشم که حکومت نمیدانم دست بند قبائی درست بکنم، شکنجه بدهم خوب اول برای خودم میگردم آنچور که شما دلناتن میسوزد که زندان را درست بکنند برای اینکه اگر يك روزی حضرت والا بقدرت رسیدید و بنده را بزندان انداختید اگر زندان را من پیش بیش مثل بهشت برین درست کرده باشم شما من را جانی میندازید که نه آب داشته باشم و نه هوا (خنده نمایندگان) بهر صورت هر چه در باب زندان آقایان بخواهند سعی و کوشش بفرمایند بنده شخصاً در اختیارشان هستم و نهایت سعی و کوشش را خواهم کرد که وضع زندان از این بهتر بشود این را آقایان در خاطر داشته باشند میخواهم عرض کنم چون در ایران يك مطالبی آلامد میشود که اگر خلاف آن انسان حرف بزند خرق اجتماع کرده و او را خواهند گفت نفی فی الارض باید کرد یکی این است که بنده امروز بگویم آقا قبل از اینکه ما فکر این باشیم که يك سارق، يك جانی یا يك منتهم به جنایتی را بگیرند و این تمام زندگیش راحت و آماده باشد باید بروید دنبال تأمین راحت و فراغ حال کسانی که مولد ثروت هستند که او زندگیش تأمین بشود فوراً میگویند که اینها میخواهند چطور بشود بنده از اول عرض کردم که بنده قبول دارم که وضع زندانها مطابق دنیای منتهم باشد این را قبول دارم اما بگذارید که يك دولتی باقی باشد، يك دولتی دارند حرف میزنند که زیربایش محکم است (صحیح است) يك دولت متزلزل که کاری ازش ساخته نیست هی شما هر روز استیضاح میکنید (صحیح است) بهر حال تمام این مطالب که این یکی هم جزواست در دستور مذاکرات است هفته گذشته يك نماینده مخصوص کمیای از لندن باینجا خواهد آمد که راجع بتمام این مطالب مذاکره بکنیم این را قول میدهم بنده با کمال شرافتمندی آنقدر که حق اجازه بدهد وهم مجلس شورایی ایران نظر داشته باشد اصرار بکنم نتیجه را هم برض آقایان برسانم بهر حال این مطلب مطلبی نیست که بنده تنها بتوانم در آن باب تصمیم بگیرم و آنرا خاتمه بدهم (احسنست) باینکه فقط باینچه نفر از آقایان و کلاه بدون اینکه رسماً ست نمایندگی از طرف مجلس شورایی داشته باشند بنشینیم و آنرا حل بکنیم بلکه قبل از اینکه مطلب بصورت قطعیت در آید همه آقایان خواهند دانست بنابراین این عنوان اصلاً درست نیست که رئیس اداره را مدیر کل کردند یا مدیر کل را چکاره کردند، آقای شادمان هم ۲۵ سال کجا بوده اند و حالا اینها هم برشان را توی هم کردند برای اینکه میخواهند يك کار خلاف مصلحتی بکنند آقایان محترم مگر میگذايد شما ؟ بر فرض مجال اگر هم خواسته باشیم بکنیم (برزین - نخیر نمیکند) ما هم میخواهیم بکنیم نه ما میخواهیم بکنیم و نه اگر بخواهیم بکنیم شما خواهید گذاشت

اینقدر نمیشود ۱۴ میلیون لیره که خمسش چهار میلیون لیره نیست علی ایحال در باب اینکه حق ما نیابستی مشمول مالیات بر درآمد دولت انگلستان بشود و سایر حقوقی که داریم گفته ام و بتخصیصین مشاور خودمان نیز نوشته ام (احسنست) و میخواهم عرض کنم که در این دوره نوشته ام بنده در کابینه آقای حکیم الملک که وزیر دارائی بوده ام نوشته ام ولی آقا گفتگو های دولت ایران در باب شرکت نفت منحصر باین يك مورد بامورد دیگری که جناب عالی آنروز فرمودید نیست يك مورد دیگری هم هست که اگر آقایان مقرر بفرمایند قبل از اینکه ما در مذاکراتمان ب نتیجه ای برسیم یعنی نتیجه ای که برض مجلس شورایی بشود رسانید آنرا بیآوریم اینجا برض برسانیم بفرمایند و سه ما را بیآوریم اینجا بنده مانعی ندارد چه در مجلس هلنی و چه در جلسه خصوصی و چه در جلسه ای از نمایندگان کمیسیونها هر جا بفرمایند بنده بیآورم اما این مراحل هم دارد یعنی يك چیزی بنده بکنم میرسد آنرا مطرح میکند اشخاص دیگر را هم دعوت میکنند ببینند نظر آنها چیست، يك متخصص دیگری را هم میخواند، تا بحال متخصصین خارجی را هم خواسته ایم با آنها مذاکره کرده ایم، نظر حقوق دانها را هم گرفته ایم البته يك قسمت را خودم بودم در وزارت دارائی يك قسمت را همکاران بنده کرده اند اصولاً هر کسی که در سر اینکار بوده است قصوری در وظایف وطن پرستیش نکرده استعفا میکنم که آقایان بیشتر توجه بفرمایند تا بیشتر بتوانیم حق دولت را بگیریم باین معنی که ما بیشتر و بهتر بتوانیم قدم برداریم و هم طرفهای ما بدانند و ببینند بادلوتی دارند حرف میزنند که زیربایش محکم است (صحیح است) يك دولت متزلزل که کاری ازش ساخته نیست هی شما هر روز استیضاح میکنید (صحیح است) بهر حال تمام این مطالب که این یکی هم جزواست در دستور مذاکرات است هفته گذشته يك نماینده مخصوص کمیای از لندن باینجا خواهد آمد که راجع بتمام این مطالب مذاکره بکنیم این را قول میدهم بنده با کمال شرافتمندی آنقدر که حق اجازه بدهد وهم مجلس شورایی ایران نظر داشته باشد اصرار بکنم نتیجه را هم برض آقایان برسانم بهر حال این مطلب مطلبی نیست که بنده تنها بتوانم در آن باب تصمیم بگیرم و آنرا خاتمه بدهم (احسنست) باینکه فقط باینچه نفر از آقایان و کلاه بدون اینکه رسماً ست نمایندگی از طرف مجلس شورایی داشته باشند بنشینیم و آنرا حل بکنیم بلکه قبل از اینکه مطلب بصورت قطعیت در آید همه آقایان خواهند دانست بنابراین این عنوان اصلاً درست نیست که رئیس اداره را مدیر کل کردند یا مدیر کل را چکاره کردند، آقای شادمان هم ۲۵ سال کجا بوده اند و حالا اینها هم برشان را توی هم کردند برای اینکه میخواهند يك کار خلاف مصلحتی بکنند آقایان محترم مگر میگذايد شما ؟ بر فرض مجال اگر هم خواسته باشیم بکنیم (برزین - نخیر نمیکند) ما هم میخواهیم بکنیم نه ما میخواهیم بکنیم و نه اگر بخواهیم بکنیم شما خواهید گذاشت

بیجهت ترساندن و ایجاد رعب کردن چه فایده دارد يك مجلسی ایجاد بفرمایند که ما بتوانیم توش حمل بکنیم، يك نکته هم راجع بکتاب لرد کرزن فرمودند من نمیدانم راجع بکی - اینهم که هنوز لایحه اش نیامده است بنده منتقد هستم که وضع اداری مملکت را بیک صورت سهلتر باید اداره کرد حالا باید چه بکنیم، اگر مصلحت خودمان را در این شخص دادیم فقط برای اینکه بکنم انگلیسی در يك کتابی چیزی نوشته است اینرا باید دور بیندازیم حالا هم که مطرح نیست و اگر ملاک تشخص ما که صلاح ایرانست و صلاح ایران که این نیست که يك نفر انگلیسی این را نوشته در کتابش یا نوشته اگر اصل معلوم برای این قرار بگیرد که يك نفر انگلیسی که نوشته پس هر چی بر خلاف مصلحت ما و له مصلحت يك نفر انگلیسی باشد، آن میروید مقاله مینویسد و آنرا میگذارند جنوما و انجام میدهند اینکه استدلال نمیشود آقا چون يك نفر انگلیسی نوشته من مخالفم این کار را نکنیم اگر چیزی نوشته شده و تهیه شده و بنده خدمت آقایان دادم مطالعه بفرمایند خوب شد قبول میفرمایند نشد نمیفرمایند، بیش پیش این دیگر استیضاح قبلی شده است که بیش از اینکه بنده يك لایحه ای را داده باشم میخواهند قیلا کوش بنده را بر کنند که اصلاً نیآوردم بمجلس و گاهی هم این توهم حاصل میشود که آقای اسکندری شاید هم میخواهند زودتر بیآورم این جا بنده اینطور احساس میکنم که جناب عالی مغالفتند و مغالطه بنده و بنده باید زود تر بیآورم (عباس اسکندری - حالا تعریف بفرمایند) بنده نمیدانم و تعریف هم نکردم این خلاصه هرايش بنده است در بیانات آقای اسکندری اما بیانات آقای اردلان، آقای اردلان مکرر فرمودند چند مرتبه باینکه بنده هی گفته ام که این کار را نمیکند و یکی هم اینکه ایشان مطالبه کرده اند و زحمت کشیده اند، اولاً این تصویب نامه هیچوقت نبود که بنده بگویم این تصویب نامه را ما نیآوریم صحبت این بود که نرخ لیره نرود بالا بنده گفتم نرخ لیره را بالا نمیبرم این را گفتم و مکرر گفتم در مصاحبه مطبوعاتی هم گفتم عقیده ام این است و میگویم که بنده نرخ اسعار خارجی را بالا نمیبرم (اردلان - الان بالا بردید) در این مملکت آقا نرخ اسعار خارجی دوتا است یکی نرخ رسمی و يك نرخ بازار آزاد (صحیح است) نرخ رسمی لیره را ۱۲۸ ریال بانکها میخرند و ۱۳۰ ریال میفروشند دلار را ۳۲ ریال میخرند ۳۲٫۵ ریال میفروشند سایر اسعار هم به تناسب خودشان، این را میگویند نرخ رسمی، نرخ غیر رسمی که عبارت از نرخ بازار آزاد است عبارت بوده است از نرخی که بموجب عرضه و تقاضا در بازار ایجاد میشود این نرخ را هیچوقت دولت معین نکرده بود به تناسب عرضه و تقاضا خرید و فروش میشود و این نرخ دومی هم قبل از این تصویب نامه ۲۶ تومان بود (یک نفر از نمایندگان - ۲۷ تومان) بله بیش از ۲۶ تومان تا امروز که بنده شنیدم يك قدری آمده باین نرخ قطعی رامن نمیدانم تا دیروز ۲۴۲ ریال بود یعنی اقل سه تومان آمده باین حالا در بین این دو نرخ بنده کدامش را بالا بردم میدانم بنده هر چه زیور و میکنم در بین این دو نرخ و این تصویب نامه نمیدانم

کدام نرخ را بالا برده ام. می گویند نرخ را بالا بردی در صورتیکه ابتدا این طور نیست. ایشان می تکرار میکنند که نرخ آزاد بالا می رود خوب اگر رفت شما هم که اینجا هستید استیضاح می فرمائید (اردلان - بالا می رود. این چه فرمایشی است می فرمائید آقای رئیس. به بند اجازه می فرمائید که توضیح بدهم) آقای اردلان در ضمن توضیحاتی که دادند این جور تمیز کردند که قبل از این تصویب نامه اگر کسی میخواست برود در بازار بخرید یا بیاید نامی که می خورد باو بنا بود صد در صد ارز دولتی بدهند حالا يك قسمت ارز دولتی می دهند و يك قسمت ارز آزاد و چون ارز آزاد در بازار گرانتر است پس این آقای برای همان تعداد کامیون یا برابر همان مقدار دارو باید بیشتر بول بدهد چون بیش بول باید بدهد پس معلوم میشود نرخ ارز بالا رفته این جور می فرمائید. می فرمائید که آمده اند برای جنسی که صد درصد ارز دولتی میدادند و آنوقت سیزده تومان بود حالا يك مقدار ارز دولتی میدهند و يك مقدار هم ارز آزاد یعنی طبقه بندی تجارتی را عوض کردند اگر این جور گفتند می گویم چیز تازه ای نیست (اردلان - این جور نیست) آقا آنچه گفتید گوش داد گوش بدهید تا آخر استماع می کنم آقایان توجه می فرمائید تصویب نامه ای صادر شده است در ۲۷ اسفند ۱۳۲۴ ماده پنجم این تصویب نامه این جور نوشته که برای آقایان می خوانم «ماده پنجم از اول بهمن ۱۳۲۴ تا اخطار ثانی کمیسیون ارز در صدور سهیمه واردات فقط برای حوائج ذیل به ارزشهایی که به اندازه کافی در اختیار دارد پروانه فروش صادر خواهد نمود. خرید انواع ماشینهای صنعتی و فلاحی که مولد ثروت شناخته شود و لوازم یدکی آنها. خرید نلمبه های آبیاری و قندوشکر و قماش و چای و کامیون و لوازم یدکی و لاستیک کامیون و کتاب و مطبوعات و دارو و رنگ و مواد شیمیایی که مورد احتیاج صنایع باشد حوائج بازرگانی و غیر بازرگانی دولت» ماده ۶ همان تصویب نامه ۲۷ اسفند ۱۳۲۴ مینویسد «کمیسیون ارز در آینده برای واردات کالاها می که در ماده ۵ ذکر نشده و همچنین برای واردات از کشورهایی که ارز لازم در اختیار خود ندارد پروانه فروش ارز صادر نخواهد نمود» این مقررات یعنی چه؟ یعنی دولت ایران واردات مملکت را دو قسمت کرده می گوید يك قسمت ارز میدهم و بيك قسمت ارز نمیدهم درست شد حالا در تصویب نامه ۳۰ تیر ۱۳۲۵ ماده ۲ آن اینطور نوشته شده ماده ۲ بر کالا های مذکور در ماده ۵ اجناس ذیل علاوه میشود کافتطیع، کافتد تحریر، کافتد روزنامه... يك مقدار هم اجناس دیگر یکی دو ماه که گذشت آمدند بيك قسمت از این طبقه را برداشتند گذاشتند کنار جزء آن طبقه و در تصویب نامه ۱۹ شهریور ۱۳۲۵ درآمد يك آن این طور نوشته شده ماده بيك تمام کالا های مذکور در صورت سهیمه سال ۱۳۲۵ اهم از طبقه الف و ب مشمول ماده ۵ تصویب نامه ۲۷ اسفند ۱۳۲۴ خواهد بود باستثنای ۶ قلم کالا های ذیل... این جا آمدند ۶ قلم را استثناء کردند گفتند برای تمام اشیاء وارداتی ما ارز دولتی میدهم بعد تصویب نامه ۶ اسفند ۱۳۲۵ صادر شد که ماده ۱ و ۲ آن اینطور مینویسد: بند اول تصویب نامه

۱۹ شهریور سال جاری از این تاریخ موقوف اجراء خواهد بود. ماده ۲ در آینده کمیسیون ارز با در نظر گرفتن مقتضیات و وضع ارز کشور برای انواع کالاها می که لازم تشخیص دهد پروانه فروش ارز صادر خواهد نمود. این جا بگلی بگلی بکنند که این جا می گویند هیچ چیز نمیدهم بلکه کمیسیون ارز بکلی آنها را می بیند هر چه را دلش خواست میدهم و هر چه را نخواست نمیدهم. تصویب نامه ۱۷ بهمن ۱۳۲۶ اینها را می گویم برای اینکه معاملات را تکمیل می فرمائید. ماده ۲ کمیسیون ارز برای واردات خیلی ضروری کشور در حدود سهیمه واردات و هم چنین سهیمه ارزی که از طرف وزارت دارائی بکمیسیون ابلاغ میشود پروانه صادر خواهد کرد. این واردات عبارت است از قند و شکر و چای و پارچه ینیه و ماشین های فلاحی و صنعتی کتابها و مجلات و روزنامه های علمی و فنی و کافتد و دارو و ادوات علمی و جراحی و آزمایشگاه و کامیون و گونی و چایی و غیره اینهم در بهمن ۱۳۲۶ بنده استفاده ام از این تصویب نامه ها که قرائت کردم چه بود؟ اینکه دولت در ظرف هفت سال مدام تمیز داد یعنی مدام آمد گفت يك مقدار اجناس را اما ارز دولتی میدهم و بيك مقدار را هم گفت بروند ارز آزاد بخرند می از این برداشت آن رو گذاشت از آن برداشت بر این گذاشت پس این کار مجاز است اگر در ظرف هفت سال دولت مجاز بوده که این کالاها را اینجا بکنند این دولت چرا مجاز نیست؟ این دولت هم حق دارد که بیاید بگوید ما کالاها را اینطور تقسیم کردیم این قسمت را جزء طبقه اول آن قسمت دوم، این سوم، آن چهارم حالا که داشته است بنا بر این اگر يك چیزی تصور می فرمائید بنسب است اینکه از این طبقه طبقه دیگر رفته و تصور می فرمائید که قیمت ارز بالا رفته و قیمت ارز را عوض کردند این استیضاح را باید در ۱۷ بهمن ۱۳۲۶ می فرمائید بجهت اینکه در بهمن ۱۳۲۶ آمدند گفته اند که کمیسیون ارز فقط برای این چند قلم ارز دولتی میدهم چرا آنوقت نمی رود؟ آنوقت هم این گرانای ایجاد شد، آنوقت هم در مورد بعضی اجناس که قبل از ۱۷ بهمن ۲۶ برای ورود آنها ارز دولتی میدادند گفتند دیگر ارز دولتی نمیدهم و وارد کننده مجبور شد برود از بازار آزاد بخرد از بازار آزاد که خرید جنس گرانتر تمام میشد به تمیز جنابعالی ارزش گرانتر میشود (اردلان - آقا اینطور نیست) پس آنوقت باید اعتراض می فرمودید (فولادوند - اطلاعاتشان ناقص است) بيك مطلب دیگر فرمودند که دولت بوجوب تصویب نامه اخیر گواهی نامه ایجاد کرده ماده اول تصویب نامه ۲۷ اسفند ۱۳۲۴ مینویسد: کسانی که تمام ارز تهه خود را قطعاً بيانك مجاز فروخته اند گواهی بانك مجاز را مبنی بر فروش ارز باید بکمیسیون ارز ارائه دهند. در این موقع هم معمول بوده است گواهی فروش ارز را باید بکمیسیون ارز بدهد که تهه ارزی صادر کننده را باطل نماید بنا بر این در باب گواهی نامه

بنده که چیزی ایجاد نکرده ام (اردلان - قیمت نداشت آقا) با آنهم می رسم آقا تأمل می فرمائید. ماده ۶ تصویب نامه ۲۷ اسفند ۱۳۲۴ مینویسد: صادر کنندگان کالا پس از فروش صد در صد ارز تهه خود میتوانند منتهی تا دو ماه از تاریخ فروش ارز بدون مراجعه بکمیسیون معادل نود درصد آنرا برای واردات مجاز طبق سهیمه واردات شخصاً بنا بر خرید نمایند یا حق باز خرید آنرا بدارند. گواهی دیگری انتقال دهند. تصویب نامه ۱۷ بهمن ۲۶ ماده ۶ می گوید: صد در صد ارز حاصل از صادرات از این تاریخ به بعد در اختیار صادر کننده خواهد ماند و باید منحصراً بصرف واردات کالا های مجاز برسد پس در اول نود درصد بود بعد در ۱۷ بهمن ۲۶ صد در صد شد حالا در چهارم مرداد ۲۷ چه می گوید: ماده اول تصویب نامه مرداد ۲۷ مینویسد: بانك های مجاز در مقابل ارز صادراتی که خریداری می نمایند گواهی نامه فروش ارز بی زبان صد در صد بفرشده خواهند داد، فروخته می تواند از گواهی فروش ارز برای باز خرید ارز بمنظور وارد کردن کالا های مجاز استفاده نماید و با این حق را بدیگری واگذار کند و یا آنرا بیانك ملی ایران بفرشده این است آن ذنب ناآمر زبانی که بنده مرتکب شده ام که یعنی عبارات تصویب نامه ای گذشته را آوردم و اینجا گذاشته ام بنده برخلاف قوانین و نصوص گذشته عمل کردم ولی دولتهای دیگر اینکار را نکرده اند و جنابعالی را هم فقط مصالح مملکتی سون داده است که این فرمایشات را می فرمائید (اردلان - توهین می فرمائید آقا) اما اینکه در نطق خودتان فرمودید و حالا هم فرمودید که گواهی نامه بود ولی قیمت نداشت شما خوب بود عرض اینکه هفت روز تشریف ببرید در کتابخانه مجلس بگوروز هم میخواستید تشریف ببرید بازار ۰۰۰

اردلان - به بازار چه مربوط است، آن قسمت آزاد است

نورالدین امامی - گوش کن

اردلان - بتوجه دخالت میکنی، مجلس رئیس دارد.

نخست وزیر - گواهی نامه عبارت از این است هر کسی که ارزی دارد می رود بیانك می فروشد از فرار هر لیره ای ۱۲۸ ریال یا هر دلار می ۲۲ ریال باو پول میدهند بعد هم بيك کافتد می دهند اسم این کافتد گواهی نامه است می گویند این آقا بيك لیره یا صد لیره یا صد هزار لیره فروخته است، نرخ بازار آزاد از کجا تشکیل شده؟ نرخ بازار آزاد اصلاً این است. لیره ۲۰ تومان یا ۲۳ تومان یا ۱۸ تومان است این پولی که از شما میگیرند در حساب میگویند قیمت گواهی نامه است یعنی این آقای که این لیره ها را بیانك فروخته تصدیق گرفته این تصدیق را از قرار هر لیره ده تومان یا پانزده تومان یا سیزده تومان بشما فروخته و حالا همین گواهی نامه ای که از روز اول قیمت داشته ایشان میگویند قیمت نداشت از روز ایجادش قیمت داشته منتهی بیک وقت پنج ریال بوده، بیک وقت بيك تومان، بيك وقت سه تومان بوده بيك وقت هم ده تومان بوده این را ایشان میگویند بوجوب این



تصویب نامه بنده آمده ام قیمت برای گواهی نامه ارز گذاشته ام برای کدام گواهی نامه؟ قیمتی بوده که همیشه بوده قبل از این تصویب نامه ۱۴ تومان و خورده ای بوده بنده چه تصدیق داشتم بيكی دیگر از ایراداتی که بنده گرفتند این است که در این تصویب نامه نوشته شده است سفارتخانه ها هم میتوانند ارزهایشان را بفرشند اینهم چیز تازه ای نیست این همین چیزی است که در تصویب نامه هست و سفارتخانه را بعنوان اسمار غیر تجارتي نوشته اند: کسانی که صاحب اسمار غیر تجارتي هستند حق دارند اسمارشان را بفرشند و گواهی نامه برایشان بگیرند این هم تصویب نامه اش ماده ۷ تصویب نامه ۲۷ اسفند ۲۴ ماده ۷ اشخاصی که ارز غیر صادراتی دارند میتوانند پس از فروش قطعی ارز خود بیانكهای مجاز معادل نود درصد آنرا برای واردات مجاز باز خرید نمایند یا آنرا برای واردات بوسیله بانك مجاز بدیگری واگذار نمایند. آقا این چه جور مطالعه ای بوده که جنابعالی آنچه را که بر ضرر و میل باخشی شما بوده ندیده اید و آنچه را که بر طبق میلان بوده گرفته اید و استدلال فرموده اید این عین تصویب نامه است، بيك مطلب بدیگری که تصور کردید تصدیق تصدیق نطقشان است این است که فرمودند دولت با این عمل مالیات گرفته است، مالیات، دلیلش را هم گفتند که در تصویب نامه در ماده ۸ گفته شده است هر کسی قبل از این تاریخ جنسی را سفارش داده است باید مطابق مقررات فعلی گواهی نامه فروش تهیه کند تا بتواند جنس خود را بیازار بیاورد، اگر بنده این را اینجا نمی گذاشتم ایشان چه میگفتند، میگفتند تبانی شده با یکدیگر یعنی کسانی که پیش رفته اند از کمیسیون جواز ارز گرفته اند برای بيك جنس با دارو یا کافتد یا هر چه اینجا اعتبار باز کرده و سفارش داده اند از آنها بیچوچه گواهی نامه گرفته نخواهد شد و کسانی که از این بیمه این اجناس را بخواهند وارد کنند باید صدی چهل بدهند اگر ما این ماده هشت را نمی گذاشتیم مثل این بود که بيك مشت پول از جیب مردم در بیاریم بریزیم توی جیب یکدیگر کاسب تاجر و غیره من چنین کاری نمیتوانم بکنم من ناچار بودم که جلو تبیض را بگیرم و بیسکان عمل بکنم (صحیح است) بنا بر این گفتن کسی که امروز بيك جنسی را وارد بازار میکند باید همانرا بدهد که ارزش را سه روز قبل گرفته این از جهت ضرورت این عمل اما از جهت اینکه مالیات میگیریم آقا مگر این را میدهند بما که شما برای من ماده خواندید که بیچ پولی نمیتواند برود بخرانه مگر قانون داشته باشد پول بخرانه نمی رود صدی چهل باید این آقایان گواهی نامه ارز بخرند یعنی آن کسی که جنش را صادر کرده لیره اش را آورده به بانك فروخته این تصویب نامه را بدستش داده اند آنرا باید برود بخرد، مالیاتی نیست، آقا کدام مالیات است؟ بيك مطلب دیگر می فرمائید نمیدانم کجای تصویب نامه گفته است که بانك حق دارد گواهی نامه خرید و فروش کند و عایدش کجا می رود، کدام عایدی، عرض کنم گفته شده است این از لحاظ کم که به صادر کننده است که اگر چنانچه ارز صادراتی بدستش رسد و اول آن خریدار که میخواهد جنس وارداتش را برود و سفارش بدهد محتاج بگواهی نامه هست لکن ممکن است بخواهد ارز آن بخرد بنا بر این برای اینکه صادر

کننده مکلف نباشد بقیمت ارز آن گواهی نامه خود را بفرشده تصویب نامه میگوید گواهی نامه را برو بیانك بفروش به نرخ هادله و بانك هم اگر بيك نفر وارد کننده بخواهد گواهی نامه خریداری را باو بفرشده این بيك تفاوت مختصری است ده شاهی، سه عباسی بيك قران و حتی احتمال ضررش هم بیشتر می رود تا احتمال منفعت حالا که تفاوتی ندارد ضرر ممکن هست بکنند دولت نه منفعت امامیگویند بوجوب چی، قانونش را ممکن است برای شما بخواهم قانون معاملات اسمار خارجی مصوب ۱۴ اسفند ۱۳۱۴ اینطور میگوید هر گونه مقرراتی که برای حفظ موازنه اسماری کشور لازم باشد و کلیه نظامنامه های اجرائی این قانون را کمیسیون اسمار تهیه و بوسیله وزارت مالیه بدولت پیشنهاد خواهد کرد (اردلان - یعنی مالیات وضع کنند؟) اسمش را هر چه بگذارید دولت آنچه کرده بوجوب مقررات بوده، و در صدور این تصویب نامه آنچه کرده مطابق مقررات قانونی بوده و ابدأ از وظایف خودش تعطلی نکرده (صحیح است)

پیمین اسفندیاری - خودشان هم موافقت اردلان - این حرف چیست بشما چه مربوط است.

نخست وزیر - اما آنجا که دیگر سر کارشان باز هم بود یعنی زحمت کشیده بودند و رقم پیدا کرده بودند که دولت بیست میلیون ریال از خزانه برداشته و ریخته توی جیب بيك چند نفری خوب رقمش کجا است؟ رایورت کمیسیون بود چه ای که هنوز بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده و قانونیت ندارد کمیسیون بوده گزارش داده به مجلس که هنوز تصویب نشده خوب حالا در آن چه نوشته؟ در آن نوشته است که عوارض صدی چهل و پنج قماش ششصد و چهل میلیون ریال. این رقم را که دیدند مدارا برداشتند حساب کردند حسابشان هم که پیدا است دولتش میشود دو بیست میلیون ریال خوب صدی چهل و پنج را کردند صدی پانزده دولتش هم که کم شده است پس ارزش کم میآید اگر هم این جور بود آقا حق داشتم که بگویم جنابعالی خوب بود مروری میگردید که ببینید این صدی چهل و پنج بوجوب قانون وضع شده؟ عوارض انحصاری اجناس وارداتی بوجوب قانون انحصار تجارت خارجی بر قرار کردندش کسرش نقصانش افزایشش در اختیار هیئت وزراست و در سال ۱۳۱۴ صدی پانزده قابل شدند بعد بالاتر شد صدی چهل و پنج اخیراً گوش فلک کر شده است که این عوارض کثیر را کم بکنند حالا میگویند این جرأت را کردیم و صدی سی را کم کردیم به بینیم چه می شود؟ شما ملاحظه می فرمائید که اگر بيك قدم دیگر بچشمی چطور خواهد شد؟ آقا اختیار قانونی دولت بوده است بوجوب قانون انحصار تجارت خارجی و ما هم عمل کردیم اما از حیث عوائد هم کسر نمیشود چرا چون آن رویه ای که جنابعالی طرفدارش هستید میگویند که خوب بود این تصویب نامه جای آن تصویب نامه نباید و آن تصویب نامه مقدس تا آخر بماند در ظرف ده ماه سه میلیون لیره جواز داده اند از این ۳ میلیون و خرده ای که جواز داده اند چه چیزش قماش بود که اگر ما چهل و پنج در صد بگیریم ۳۱۷ میلیون ریال بشود؟ باز هم اگر شما میخواهید روی کافتد حساب

میفرمائید این بيك مطلبی است ولی بروید به بینید که چه قماش بیملکت وارد میشود و چهل و پنج درصد را حساب کنید والا اگر همینطور حساب کنید که این رقم سیصد و هفده میلیون است این چهل و پنج درصد بوده و حالا شده است پانزده در صد یعنی دو نهمش کم شده است، دولتش دو بیست میلیون ریال است و بخرانه نرفته است و حالا اعلام جرم... نکته بدیگری که در باب آن زحمت زیادی بخودشان دادند این است که گاهی مجله بانك ملی را خوانندند دماغ کوی، بهمنامه کوی، اینها را نمیخواست خود شما فرمودید بنده تصدیق می کردم و اصل زحمت هم لازم ندارد، از آن که مثل علف خرس زیر پا بریزد همینطور قیمتش بشود صد پانزده و آن رویش بیاید بشینند و بگویند سواریم قیمتش بالا می رود (صحیح است) علاوه ایشان صدی نهمش میفرمائید همه این استدلالها که در روز اردن و امروز هم خیال کردند که دلیل دندان شکنی پیدا کرده اند برای بنده که بانك ملی نوشته است چون مادر هفت گدشته اسمار فروخته بازار سست شد در جای دیگر نوشته است که چون فروخته قیمت بالاتر افت اما از این این نتیجه را گرفتند که پس با با فروشید البته اگر ارز بود که بفروشیم بهتر بود؟ آخر نیست که بفروشیم اینک شاهی میفرمائید بفروشید خوب چیزی است من هم دلم میخواهد که بفروشیم بهر نس که میخواهد بسیزده تومان که سهل است، سه قران، اما از کجا بیاریم؟ اگر اینش را فکر فرمودید آنوقت مطلب را حل کرده اید اما اسمار نبوده راه همینطور بفروشیم؟ هر کس می آید بفروشیم؟ بگوروزی دلار نداشت بانك فقط لیره می فروخت تفاوت گواهی نامه لیره بیست و نهم، پنج ریال، پانزده ریال بود دلار تفاوتش بیست و نهم بود، روزی که لیره را هم تفاوتش بانك بفروش خوب قیمت لیره هم بالا رفت الان این تصویب نامه ها را که خواندم می تغییر دادند، بیگار که نبودند بازی هم که نمیخواستند با اسمار مملکت بکنند، موقمی که مقدار زیادتری ارز به دستشان میرسد بیشتر مبروختند، تصویب نامه صادر میگردند که تمام اجناس اسمار بدهد آتوون گران نمیشود و وقتی که اسمار بیورد جلوش را میگردند بنا بر این هیچکدام سوء نیتی نداشتند (اردلان - اگر ارز دیگر در دسترس نبود قیمتش خیلی گران میشد) بیلی خیلی گران میشد، بنا بر این هیچگونه سوء نیتی در فروش یا عدم فروش اسمار نبوده است بنده که همیشه متصدی امور مالی این مملکت نبوده ام کسانی هم که برای این مملکت دل میسوزانند کار میکنند، زحمت میکشند، مطالعه میکنند آنها را همینطور درویشان نکنید و میفرمائید که از پیش نشسته بودند و میخواستند لیره را گران کنند و دارائی مملکت را ببخشند، بی بدیختی برای مملکت بگذارند، برای چه؟ آخر چرا کسانی که این اندازه زحمت میکنند و خدمت میکنند شما با بيك کلمه بر دارید اجر زحمت چندین ساله شان را از بین ببرید (سزاوار - صورت آن سه میلیون لیره هم خواش میکنم بعد بدیدید مجلس شورای ملی) بنده در تمام فرمایشات آقای اردلان کدفته میکنم می بینم که بيك قسمت مداه ثابت است و آن قسمت اینست که مملکت ایران رو بهم رفته مثل اینکه از فعالیت و از تصمیم و عزم بندش میآید، میگویند

اگر کار پراهم می بینید که بدهاست بگذارید به منظور بماند ، بنویس ؟ یا منفعت شخصی داری ؟ نه ، پس بگذار بماند آنهائی که این حرف را می فرمایند بهیچوجه حرفشان صحیح نیست جز اینکه يك کسی بخواهد هربت بگیرد ، پند بگیرد و بگوید آقا منکه نمیتوانم ، پس است ، فقط کردم ، بگذارید اگر خوب است . کسی دیگر بکند و اگر بدهاست من چرا ؟ (پستین اسفندیاری - حالا شما این را غلط ننگید (خشنده نایندگان) والا در مملکتی که تهمت الی ماشاء الله هست و وسیله بهانه گیری هم همیشه فراهم است کتر کسی حاضر است که خودش را سرزبانها بیاندازد بخاطر آن فکری که کرده و در نظر دارد که بصلاح مملکت است و میگوید من میخواهم اینکار را انجام بدهم (صحیح است) اگر بندهم این تصویب نامه ای را که حالا صادر شده است صادر نمی کردم . حالا الان برای آقایان مثال می آورم که عمل کمیسیون ارز چه بوده در همین ، الان تصویب نامه اش را خواندم . برای آقایان تصمیم گرفته بودند که بچند جنس ، پارچه پنبه ای و دارو و کمیون و قماش اسما بدهند و سایرین هم ندهند آنهائی را که نیدادند تکلیفشان معلوم بود نمیتوانستند در بازار آزاد بخرند اما آنهائی که میدادند بلافاصله پس از صدور تصویب نامه تقاضا مثل برك خزان ریخت توی کمیسیون اسما را آقا با اسما بدهید . البته اینقدر اسما نبود که بدهند و اگر بود مطابق رویه جناب عالی میدادند و در طلب هم زیاد پیدا نمیشد اما نبود که بدهند فکر کردند که راه حلی پیدا بکنند ، گفتند خوب بهر شخصی که تقاضا کرده است نیم درصد سهمیه را بیشتر نمیدهیم یعنی اگر سهمیه مثلا صد میلیون تومان است یا صد هزار تومان بیشتر نمیدهیم آنوقت آن تاجری که میخواهد بیشتر تقاضا کند می آید میگوید آقا این یا صد هزار تومان مال خودم ، اینهم مال دخترم اینهم مال پسر من . اینهم مال برادر من ، اینهم مال پسر همسایه ، اینهم مال منشی تجارتخانه ام اینها تمام گوشه شد جلوی رئیس کمیسیون ارز که همینطور که نگاهش میکرد ، می ترسید تصمیم نمی توانست بگیرد ، نیدادند چطور تصمیم بگیرد نتیجه این شد که کسانی که نمیتوانستند ، وسیله داشتند تحمل میتوانستند بکنند یکی دو تا سه تا چهار تا جواز ممکن بود که صادر بشود که صادر شدو آنها ای دیگر صادر نشد (باتماقلیچ - برای اینکه رشوه ندادند) حالا رشوه اش را بکنار ، بعد از رشوه اش هم اینجا گفتند که صدی صد ارز می فروشیم اینجا میگویند صدی شصت ، اما آن ارزی که قرار بود صدی صد بدهند بیک نفره نفر ، صد نفر دادند و این را آن آقا وارد میکند بقیعت خون پدرش هم می فروشد و رقابتی در بین نیست ، این چیزی است که جناب عالی می فرمودید ، این از بنده ساخته نیست ، بنده تمام سهم این بود که اگر بنا بود ارز بدهند بی شفاعت بدهند ، بلاواسطه بدهند ، در تمام مملکت یکسان بدهند . يك ایراد دیگر امر و فرمودند که قانون مصوب مجلس گفته است که صدی شصت را بدهند بولایات ، حالا که ولایات می توانند صدی صد را بگیرند ، ما که محدود نکردیم آن قانون را . میدانید آن قانون فایده اش چه بود ؟ آن کسانی که شکایت میکنند وقتی که بنا شد صدی شصت بولایات

بدهند این تاجری که در تهران نشسته یا خودش بلند میشد میرفت شهرستانها با برقیقش میگفت من يك حق بنویسم میدهم تو این ارز را برای من بگیر خلاصه يك دلای این میان پیدا شد و نتیجه اش این بود که يك دلای این تاجر ولایتی بگیرد و واگذار کند بهر کز برای چه اینکار را بکنند ؟ آقای اردلان این مذاکرات آن قسمتش که همه پایش بطوریکه عرض کردم روی فرضیات بود تمام شد ، بعد يك بنای دیگری روی و همیات ساختند و آن و همیات این بود که خلاصه شرکت نفت ایران و انگلیس خیال دارد اسما را را بقیعت غیر رسمی بفروشد و تمام اینکار ها برای همین است خوب آقا اگر شرکت نفت ایران و انگلیس اینقدر وسیله دارد که یکی از جابلقا یکی از جابلسا یکی موافق یکی مخالف ، اینها را بطوری بهم میاندازد و کار را طوری درست میکند که نتیجه مطلوب از آن گرفته شود شما از کجا اطمینان دارید که با وسائل مختلف شما را هم همانها فرستاده اند که این را بفروشد که نظر آنها تأمین بشود اگر شما میفرمائید که این اطمینان را دارید که نیست ، آخر من هم بمثل خود اطمینان دارم ، رئیس بانک ملی ایران هم بمثل خودش همین اطمینان را دارد ، دلیلی ندارد که ما اجازه بدهیم به حیثیت و شرافت خودمان اینطور سکنه و لطمه وارد بیايد . اما در مورد کار آقایان هم در چندین چیزی نیست ما هم برای مملکت خودمان زحمت میکشیم و فکر میکنیم ما چیزی که در اینجا شده است بنده می بینم که در تصویب نامه صریح است در ماده اول تصویب نامه ۴ مرداد ۱۳۲۷ نوشته شده است که کبرش کتاهائی که امتیاز خاصی برای بهره برداری و صدور محصولات منابع طبیعی از دولت گرفته اند در مقابل فروش ارز گواهی ارز داده نخواهد شد و فقط ارز ریالی را بنرخ رسمی دریافت میکنند و اگر میفرمائید که در این تصویب نامه بکسش هست لکن يك روزی می آید اعتراض میکنند میگویند بنده سهم خود نمیدهیم و اینجا خدمت آقایان قول میدهم که تا روزی که بنده خدمت آقایان هستم وجه من الوجوه چنین کاری نخواهم کرد از سیزده تومان از ۱۲۸ ریال اگر خواستند اسما را شرکت نفت را بدهند بنده موافقت نمیکنم و اگر منجر بشود استعفا من از خدمت آقایان مرخص میشوم ، هر دولت دیگری که میباید همینطور است (اردلان - آن موقع آقا وزیر مختار چین خواهید بود) يك مطلب دیگر فرمودند که شرکت نفت ممکن است که بیاید اسما را بدهد به عمرو وزید و مقاطعه کار که اینها بیایند بفروشند اگر اینقدر اسما شرکت نفت مورد گفتگوست برای اینست که در حدود ماهی يك میلیون يك میلیون و نیم لیره میتواند بفروشد والا اگر قرار بود شرکت نفت ماهی دوهزار لیره بفروشد که اینقدر بخت و گفتگو ندارد يك میلیون و نیم را که نمی شود هی بعسن داد - بعسین داد به عمر داد ، بزید داد و گفت آقا بفروشید ، اینکه عملی نیست ، بر فرض که بگوئید عملی هست بنده عرض میکنم که باین تصویب نامه چه اعتراضی دارید مگر پیش از صادر شدن این تصویب نامه خواب تشریف داشتید ؟ کسی که برود در بانک بگوید من اسما را بولایات ، حالا که ولایات می توانند صدی صد را بگیرند ، ما که محدود نکردیم آن قانون را . میدانید آن قانون فایده اش چه بود ؟ آن کسانی که شکایت میکنند وقتی که بنا شد صدی شصت بولایات

نکرده اند ، حالا میروند مطالعه می کنند) عرض کنم تمهیدی بگمرك مبررند و این تمهید را موقعی که اسما را خود را فروخت بیانک ، کمیسیون ارز باطل میکند یعنی وقتی اسما را فروختند بیانک تصدیقشان را از بانک میگیرند و میبرند بکمیسیون آقا جنابمندان را باطل میکنند پیش از آنکه این تصویب نامه هم صادر بشود در بانک از کسی نمیبوسیدند که این ارز را از کجا آوردی ، می آید میگوید من میخواهم صد هزار لیره بفروشم می گویند خوب بفروش ، اگر حالا جناب عالی میفرمائید این ایراد است - و وارد هم باشد و حقیقت هم باشد ، بوجب این تصویب نامه نیست باید جلوش را از پیش بگیرند و در آن صورت بندهم با جناب عالی موافقت میکنم (اردلان - کی بانك گواهی نامه میداد ؟) بانك همیشه گواهی نامه میداد جناب عالی وقتی چیزی را که مثل چراغ روشن است مخالفت میفرمائید بنده ناچارم همان مثل منطقی را که در فرآکسیون برای شما آوردم در اینجا هم تکرار کنم اما بهماز جوابی که در باب فرمایشات ایشان داده يك توضیح مختصری هم در این خصوص دارم که حالا باز امروز گفتند که در این تصویب نامه تکلیف ترا کتور معلوم نشده و معلوم میشود بشرا کتور چیزی نمی دهند ، اما شما که باین تصویب نامه ایراد میکنید مگر پیش از این تصویب نامه برای ترا کتور کسی چیزی میداد ؟ آخر تمام گناهان از حضرت ابوالشرا تا - الا را بنده باید جواب بدهم ؟ فقط برای اینکه گناه کرده ام اگر خواسته است اینکار را بکار برم بنده اینجا در خدمت آقایان عرض میکنم در خود تصویب نامه نوشته شده تکلیف ترا کتور و ماشین فلاحی و ماشین آبیاری و کارخانجات بعداً تعیین میشود ما این را گذاشتیم بعد برای اینکه خواستیم جهد بکنیم در نتیجه جمع آوری ارز شاید یکمقدار پورسانت از بیشتری بآنها اختصاص بدهیم و الا صدی شصت ارز دولتی و صدی چهل ارز آزادش که معزز بود و معزز است و ما برای اینکه بتوانیم بیشتر بدهیم يك قدری عقب انداختیم که بتوانیم بوسیله گرفتن يك اعتبار طویل المده یا يك وسیله دیگری يك مقدار بیشتری بآنها اختصاص بدهیم . اما راجع ببنافع این تصویب نامه بعضی از آنها را در ضمن این مذاکراتی که شد عرض کردم يك مطلب دیگر ایشان را میفرمائید راجع بصادرات ، اگر تشویقی در باب اسما صا دراتی بهماز شهریور شده باشد صدور همین تصویب نامه است (صحیح است) قبل از این تصویب نامه هر کس بنا بود صادر بکند اسما را بجا بود بفروشد بقیعت روز ، هر کس هم بنا بود جنس وارد بکند می آید در کمیسیون اسما ، اسما می خرید جنس وارد میکرد فقط بوجب این تصویب نامه است که ما گفته ایم آقایان اگر ۶۰ درصد اسما می خواهید اگر سی درصد اسما می خواهید اول باید تشریف ببرید بازار يك مقدار اسما صادراتی بخرید بعد بیاورید اینجا و ما يك مقداری بشما اسما می دهیم این يك جایزه مطلوبی است برای صادرات حالا آقای اردلان میفرمائید که این تصویب نامه صادرات را از بین میبرد اگر بناست بامنطق صحبت بکنیم بفرمائید ببینیم چطور این تصویب نامه صادرات را



از میان میبرد و اگر جناب عالی هر چه می گوئید بنده باید همینطور بلا تامل قبول کنم که بنده دیگر سنم گذشته است (خنده نمایندگان) خلاصه مطلب این تصویب نامه پایش روی قانون معاملات اسما را خارجی مصوب سال ۱۳۱۴ است و هم اگر مدام سوراخش نکنیم آن منظور اساسی که تمام دنیا از اسما دارند بوسیله این تصویب نامه تأمین می شود . منظور اساسی چیست ؟ منظور اینست که پرداخت و دریافت پول خارجی مملکت مزایه داشته باشد طبق این تصویب نامه ابتدا اول حساب میکنند که آنچه صادر شده و پولش هم بدست آمده ما می گیریم ، از اسما دولتی هم آن مقداری که داریم ضمیمه می کنیم معامله بکنند . اگر با بصورت و بوجب این تصویب نامه ما بتوانیم اینکار را انجام بدهیم بهترین اقدامات در امور اقتصادی مملکت انجام گرفته و بخیال بنده بزرگترین افتخارات هم شامل حال این دولت خواهد بود که این عمل را انجام داده است بنده باینمناسبت میخواستم يك توضیحی حضور آقایان عرض بکنم که در برنامه ای که بنده حضور آقایان تقدیم کردم اجازه خواستم این مطالبی که بتصویب مجلس شورای ملی میرسد از سه تا شش ماه مهلت برای دولت قائل شونم که بتوانیم حضور آقایان نتیجه اقدامات و مطالعات خود را عرض کنیم بشما که سهل است ، سه ماهه نشد هشت شهر یور در ماه خواهد بود که برنامه دولت را مجلس شورای ملی تصویب کرده و بنده یکماه است که در زیر استیضاح آقای اسکندری هستم . البته با این ترتیب نمایندگان محترم بخوبی میدانند که دولت در ظرف این دو ماه در خارج مجلس شورای ملی و در اطراف و اکناف مملکت دچار چه تشبیهات ظاهر و زیر پرده بوده و عوامل فساد و مفرض هر روز در صدر ریختن چه نیرنگهائی بر آمده اند مجلس شورای ملی با ۸۸ رأی بدولت رأی اعتماد داد و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با کمال اعتمادی که بخدمتگذاری و جان نثاری دولت در راه تأمین مصالح کشور داشتند با خیال آسوده اداره امور مملکت را بدولت سپردند و موقتاً هازم خارج شدند اکنون کاین مسافرت بسلامت و مینست در شرف اختتام است و با همه تجلیل و تکریمی که از اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در ممالک مختلف بعمل آمده و اسباب سربلندی و سرفرازی ملت ایران فراهم گردیده است اعلیحضرت همایون شاهنشاهی عنقریب بروشی چشم صوم ملت شاه دوست ایران مراجعت خواهند فرمود وظیفه خود میدانم از تقویت های مستمر و ظاهر و باطن نمایندگان مجلس شورای ملی از صمیم قلب اظهار امتنان بکنم که در این دوره پر آشوب و پر متسده بتجویی از دولت تقویت فرمودند که دولت توانست وظیفه اصلی خود را که حفظ اوضاع مملکت است انجام بدهد .

نمایندگان محترم بتجویی مسبقند که در ظرف این مدت کوتاه که ضمناً تصادف امامه مبارک رمضان و ایام متبر که بود چه اقداماتی کردند که در تمام شئون دولت و مملکت ریخته کنند و تفرقه ایجاد نمایند و چه دستها و زبانها در صدر بر آمده اند که از مفایده مقهومی مردم استفاده کرده زده خورد راه بیندازند و فتنه ایجاد نمایند و در بلاد مختلف از میان میبرد و اگر جناب عالی هر چه می گوئید بنده باید همینطور بلا تامل قبول کنم که بنده دیگر سنم گذشته است (خنده نمایندگان) خلاصه مطلب این تصویب نامه پایش روی قانون معاملات اسما را خارجی مصوب سال ۱۳۱۴ است و هم اگر مدام سوراخش نکنیم آن منظور اساسی که تمام دنیا از اسما دارند بوسیله این تصویب نامه تأمین می شود . منظور اساسی چیست ؟ منظور اینست که پرداخت و دریافت پول خارجی مملکت مزایه داشته باشد طبق این تصویب نامه ابتدا اول حساب میکنند که آنچه صادر شده و پولش هم بدست آمده ما می گیریم ، از اسما دولتی هم آن مقداری که داریم ضمیمه می کنیم معامله بکنند . اگر با بصورت و بوجب این تصویب نامه ما بتوانیم اینکار را انجام بدهیم بهترین اقدامات در امور اقتصادی مملکت انجام گرفته و بخیال بنده بزرگترین افتخارات هم شامل حال این دولت خواهد بود که این عمل را انجام داده است بنده باینمناسبت میخواستم يك توضیحی حضور آقایان عرض بکنم که در برنامه ای که بنده حضور آقایان تقدیم کردم اجازه خواستم این مطالبی که بتصویب مجلس شورای ملی میرسد از سه تا شش ماه مهلت برای دولت قائل شونم که بتوانیم حضور آقایان نتیجه اقدامات و مطالعات خود را عرض کنیم بشما که سهل است ، سه ماهه نشد هشت شهر یور در ماه خواهد بود که برنامه دولت را مجلس شورای ملی تصویب کرده و بنده یکماه است که در زیر استیضاح آقای اسکندری هستم . البته با این ترتیب نمایندگان محترم بخوبی میدانند که دولت در ظرف این دو ماه در خارج مجلس شورای ملی و در اطراف و اکناف مملکت دچار چه تشبیهات ظاهر و زیر پرده بوده و عوامل فساد و مفرض هر روز در صدر ریختن چه نیرنگهائی بر آمده اند مجلس شورای ملی با ۸۸ رأی بدولت رأی اعتماد داد و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با کمال اعتمادی که بخدمتگذاری و جان نثاری دولت در راه تأمین مصالح کشور داشتند با خیال آسوده اداره امور مملکت را بدولت سپردند و موقتاً هازم خارج شدند اکنون کاین مسافرت بسلامت و مینست در شرف اختتام است و با همه تجلیل و تکریمی که از اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در ممالک مختلف بعمل آمده و اسباب سربلندی و سرفرازی ملت ایران فراهم گردیده است اعلیحضرت همایون شاهنشاهی عنقریب بروشی چشم صوم ملت شاه دوست ایران مراجعت خواهند فرمود وظیفه خود میدانم از تقویت های مستمر و ظاهر و باطن نمایندگان مجلس شورای ملی از صمیم قلب اظهار امتنان بکنم که در این دوره پر آشوب و پر متسده بتجویی از دولت تقویت فرمودند که دولت توانست وظیفه اصلی خود را که حفظ اوضاع مملکت است انجام بدهد .

مملکت ایران آشوب بر پا کنند و منبر و معراب را که برای توحید کلمه ملت اسلام است در راه مقاصد خود بکار برند آقایان محترم مسبقند که از هر قدمی که دولت خواست برای تبدیل زرخه را بردارد چه کار شکنی ها بعمل آمده حبل مشکل استخدام خارج اندازد دولت که از روز اول مورد توجه بود و نقشه دولت این است که از مستخدمین امین ولایت خود حتی يك نفر را هم بیکار نگذارد قبل از اینکه دولت اقدامی بکنند و چه تحریکاتی گردیده موضوع غلو و نا بدروغ چه مستسکی برای این و آن شد در قزوین به عنوان آب چند نفر را جمع کردند و بیبانه اینکه نان نایاب است خواستند تعصن ایجاد کنند ولی وقتی که معاون وزارت کشور و کفیل اداره غله در همان روز بقزوین رفتند نان روی منبرها ریخته بود و خریدار نداشت در اردبیل و مینابود و بعضی نقاط دیگر آذربایجان نیز به خیالات فاسد موضوع نان را پیش آوردند و حال آنکه همین الساعه درخواستهایی در اداره کل غله هست که میخواهند از تنه غله سال گذشته اردبیل گندم بنقاط مرکزی مملکت حمل نمایند در قم و کاشان و اصفهان ، یزد و اخیراً ساره نیز اقداماتی میشود که چون اجازه حمل غله داده نشده مردم را در تشویش بگذارند و حال آنکه الان سر خرمن است و هر جا هر قدر هم که احتیاج بقله از نقاشی دیگر داشته باشد باز در سر خرمن اقتدرا از خود محصول دارد که دچار تنگی و مضیقه نشود .

از این گذشته در این اواخر یکی از معرکین وادار کرده بود که از اردبیل تلگراف وحشت آمیزی راجع بانیت مرز مغایره کنند تا بلکه مردم را از این حث بوحت بیندازند .

بعلاوه مساعی زیادی بکرات بکار رفت که امنیت نقاط مختلف را مختل نموده راهزنی وقتل و غارت ایجاد نمایند .

بدیهی است که در هر موقع از بروز این حوادث جلوگیری شد لکن بهر صورت در این مدت هیچیک از این اقدامات را که مسلماً خدا را از آن خوش نمی آید دولت بروی خود نباورد و با سکوت و ملایمت مشغول رفع آنها بود از این جهت بود که میدانست اینها همه از وظایف دولت است لکن امروز باین مناسبت خواستم عرض کنم که اگر در ظرف این دوره بتقویت باطنی نمایندگان مستظهر نبود هیچ کاری در این راه از بنده پیشرفت نداشت و علاوه بر این باید عرض کنم که باز بانگی همان حس اصلاح طلبی که در اکثریت قریب با اتفاق نمایندگان محترم سراغ دارم در ظرف همین مدت گذشته دولت نقشه هائی را که برای اجرای برنامه مصوب خود لازم میدانسته است طرح کرده است تا بلافاصله پس از تصویب بودجه مملکتی تقدیم نماید بتجویی تصویب بودجه از هر جهت کار جاری و اساسی دولت را دچار اشکال میکند و تصویب آن بانجام وظایف دولت محکم شایان خواهد نمود . اما توفیق در اصلاحات اقتصادی موقوف بر آن است که تمام جوانب کار در نظر گرفته شود و نقشه جامع الاطراف آن فوری طرح و اجرا گردد تا از هم آهنگی همه دستگاه ها نتیجه مطلوب بدست آید والا اگر بنا باشد که در هر مورد کوچک آن ماهها بخت بکنیم و با ایراد گیری بپردازیم نتیجه ای

بدست نخواهد آمد - اصلاح اقتصادی و مالی واجتماعی و اداری مملکت ایران بطوری با هم توأم است که هیچ قدمی در هر يك از این رشتهها نمیتوان برداشت جز اینکه در رشته های دیگر هم مؤثر باشد و من الا تقا . اگر کسانی که از لحاظ وضع اجتماعی خود در طبقات مختلف کشور نفوذ دارند معتقد بضرورت اصلاحات نباشند اجرای آن ممکن الحصول نخواهد بود . اما از آنجا که نمایندگان هموم طبقات مملکت در مجلس شورای ملی حضور دارند امیدوارم که بتقویت و پشتیبانی مجلس شورای ملی دولت توفیق حاصل کند که نبات اصلاح طلبانه نمایندگان محترم را هر چه زودتر بوقوع اجرا گذارد .

بطور خلاصه بنده عرضم از این تصدیمی که دادم اینست اگر در کاب این مراحل ما بتوانیم به پشتیبانی مجلس شورای ملی قدمی را که برای اصلاحات لازمست برداریم شرط اول آن وحدت و هم آهنگی است (صحیح است) با اختلاف نظر مشکل است بار ما بمنزل برسد و الا بنده این ترس را دارم و این را ناچارم عرض کنم که بقول سعدی :

این سیل اختلاف کند روزی این درخت وین باد مختلف بکشد روزی این چراغ گرنشوی نصیحت و گر بشوی بصدق گفتیم و بر رسول نباشد بجز بلاغ (احسن)

جمعی از نمایندگان - رأی - رأی

رئیس - پیشنهاد رأی ساکت شده بگذارید من مطالب را بگویم

اردلان - بنده باید توضیح بدهم

رئیس - آقای اردلان توضیح نمیتوانید بدهید این در استیضاح سابقه ندارد چون اگر شما جواب بدهید طبقاً دولت هم باید جواب بدهد و این دور تسلسل پیش می آید شما مطابق يك ماده آئین نامه این تقاضا را بکنید بنده اجازه میدهم .

اردلان - بسیار خوب نظامنامه میگوید وقتی که مذاکرات در استیضاح کافی شد ، هنوز مذاکرات کافی نشده است بنده میخواهم جواب بدهم

رئیس - این ماده که میفرمائید بخوانید ولی اطمینان داشته باشید که همچو ماده ای نیست رأی ساکت هم در این مورد تقاضا شده و رأی ساکت مقدم بر سایر آراء است و مباحثه هم ندارد

اردلان - اجازه بفرمائید ماده ۴۶ میگوید در روز مین بهماز آنکه وزیر یا هیئت وزراء در مجلس و توضیحات داده شد پس از ختم مذاکرات ، مذاکرات هنوز ختم نشده ، بنده یکی از وکلای مجلس هستم ، آقای نخست وزیر فرمایشاتی فرمودند که بنده باید جواب عرض بکنم

رئیس - ختم مذاکرات و کفایت فرقی میکند .

اردلان - آقا شما میخواهید يك وکیل را خفه بکنید که حرفش را نزنند .

رئیس - پیشنهاد ختم مذاکره کرده اند که قرأت میشود .

(بشرح زیر قرأت شد)

پیشنهاد ختم مذاکره بمنابیم - فولادوند

اردلان - بنده مخالفم

رئیس - آقای فولادوند

فولادوند - توضیح بنده این است که سرکار

فرمایشات آنرا در ظرف دو روز بنحوا حسن و نام فرمودید آقایان وزراء بلك جواب دادند آقای رئیس الوزراء قضیه را تشریح کردند روشن کردند حالا بلكه شما بگوئید من تا يكسال قبل ندانم مذاکرات خانه پیدا کنند تا تفسیر کردید این است که بنده پیشنهاد کنم مذاکرات را میکنم .

رئیس - بکنند آقای اردلان مخالفتان را در این پیشنهاد فرمایند .
اردلان - استیضاح بحق شروع نمایند است در موقعی که نماینده سوال می کنند نظامنامه با اجازه داده است پس از اینکه وزیر جواب سؤا را داد سوال کننده بتواند با هم توضیح بدهد **رئیس** مخصوصاً اجازه ندادم که وقت مجلس را بگیرد .

اردلان - وقتی سوال کننده بتواند توضیح بدهد و حرف بزند استیضاح کبالاتر از سوال است جناب آقای رئیس مجلس شورای من مطالبی را چه بیاید بر دهن قیمت از وقتش قانون در اینجا عرض رساندم که یکیش را جناب آقای نخست وزیر جواب فرمودند جز اینکه ایشان يك تصویب نامه ای را که از ۱۳۲۴ صادر شده بود اینجا خواندند بنده قانون بر تون و وزیر را فرجه سوشم را اینجا خواندم که بگوید نرخ برابری ریال با ارز خارجی قابل تغییر نیست مگر با تصویب مجلس شورای ملی ایران ایشان هم قانون را نقض کردند آقا اگر يك کس توی خانه خودش ... **جمعه** از نمایندگان - این مربوط بخدمت مذاکرات نیست (همه همه نمایندگان)

رئیس - آقا راجع بخدمت مذاکرات فرمایند .
اردلان - شما يك وکیل را نمیکند از بد حرفش را بزنند .

رئیس - شما يك ماده بیاورید که مطابق آئین نامه يك وکیل در استیضاح دوم مرتبه سه مرتبه صحبت بکنند .

اردلان - بنده خود در دوره چهاردهم نماینده مجلس بودم آقای مهندس فریور استیضاح کردند آقای ساعد بهماز اینکه مطلب رویان کردند آمدند اینجا يك ساعت دوم مرتبه حرف زدند آقای ساعد شما در آن موقع اینجا تشریف داشتید چرا کم لطفی میفرمایید الا بنده يك پیشنهادی بجناب آقای رئیس تقدیم کردم که آنرا در موقع رأی رعایت فرمایند (زنگ رئیس)

رئیس - بنده آنرا در موقع رأی خودم رعایت میکنم .
اردلان آقا از بنده بدین از روی ساحت پنج دقیقه صحبت کنم .
رئیس - فرمایند

اردلان - در يك تاریخی که بنده چند دفعه در این استیضاح نوشته ام و حالا میخواهم بآن مراجعه کنم بطور صریح نوشته است که نرخ برابری ریال با ارزهای خارجی را ممکن نیست که تغییر بدهند مگر با تصویب مجلس شورای ملی در این تاریخ نرخ خرید ارز ۸ ریال تثبیت شد اگر يك کسی در خارج در خانه خودش يك معامله بکنی یا کسی دیگری بکند آنرا که قانون نمیتواند حرفی درش بزند وقتی جرمش را پیدا کرد تعقیب

میکند عرض من این است که دولت بوجب تصویب نامه این گواهی نامه را يك نرخی رویش گذاشته و این را قانونی کرده است این نرخ برابری ریال با ارز خارجی را جناب آقای وزیر بوجب تصویب نامه قانونی داده این حق مجلس شورای ملی است البته ممکن بود که ابتکار بشود ولی کی ؟ وقتی که مجلس شورای ملی رأی میداد و تمام استیضاح بنده هم روی همین مسئله است بنده راجع باصل اینکه این تصویب نامه برفع منکک است یا نیست مکرر هم عرض کردم روی خواهش بعضی از آقایان نمایندگان عرض کردم ولی متن استیضاح من را به بنیید متن استیضاح بنده نقض قانون است یعنی جناب آقای وزیر دولت آقای وزیر يك چیزی در بازار اگر بین اشخاص متفرقه ای صورت خارجی پیدا میکرد و قانونی نبود بوجب این تصویب نامه صورت مجاز بآن دادند توجه فرمودید ؟ دولت ایشان در این قسمت نقض قانون کرده اند و ایشان يك کلمه جواب بنده را ندادند (بین استیضاحی قضاتش با مجلس است) عمل دوش را هم بنده عرض کردم که ایشان وضع مالیات فرمودند اصل ۹۴ متمم قانون اساسی را نقض کردند ولی ایشان يك کلمه جواب بنده را ندادند آقای وزیر در تصویب نامه ای که نوشته اند نوشته اند در بانک ملی ایران بحساب دولت يك حسابی باز میشود که گواهی نامه ارز بحساب خزانه دولت می رود و میفرودند این عمل یعنی عمل پول دادن از خزانه دولت باید بوجب قانون باشد گرفتن از مردم هم باید بوجب قانون باشد و ایشان يك کلمه جواب من را ندادند باز عرض کردم که در گزارش کمیسیون بودجه کلمه تصویب کمیسیون بودجه رسیده و جزء هوا بد است . . .

عبدالرحمن فرامرزی - این را بفرمایند که بچه دلیل مذاکرات کافی است ؟
اردلان - . . . تغییر آقا بنده در موضوع استیضاح صحبت دارم آقای رئیس هم که اجازه دادند بنده سر وقت تمام میکنم .

رئیس - آقای اردلان توجه کنید خدمت مذاکرات این است که اگر ده نفر استیضاح کرده باشند حتماً باید آن ده نفر صحبت کنند و یکی از استیضاح کنندگان مطلبش نگفته ناماند نه اینکه بکنند در دقه صحبت کنند .

اردلان - شما به بنده فرمودید ه دقیقه، هنوز پنج دقیقه نشده يك دقیقه دیگر هم بنده صحبت دارم .

رئیس - فرمایند يك دقیقه هم صحبت کنید **اردلان** - در تمام توانی که از مجلس شورای ملی گذشته در همین دوره بنام يك دوازدهم من استند ها میکنم قسمت آخرش را بخواهید می نویسند هوایندی که مصوب مجلس است در اسفند ۱۳۲۶ بودجه منککی را نگاه کنید می نویسند ستون هواید ۰/۴۵ - سیصد میلیون ریال این ۰/۴۵ آقا این قانون را مجلس تصویب کرد و نمیتوانسته است این را ۰/۱۵ بکنند این مبلغ را هم که بشنیدند بيك عده اشخاص میبندی حالا بنده اینجا عرض میکنم چون آقای رئیس اجازه نمیدهند .

رئیس - پیشنهاد رأی ساکت شده است که قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)
 ریاست محترم مجلس شورای ملی طبق ماده ۵۰ نظامنامه پیشنهاد میکنم نسبت به ورود استیضاح مجلس رأی ساکت بدهد . ابوالقاسم امینی
رئیس - بحث ندارد
اردلان - بنده پیشنهادی تقدیم کردم که به استیضاح بنده رأی جداگانه گرفته شود
رئیس - شما نظامنامه را بخواهید وقتی رأی ساکت تقاضا شد مقدم بر همه است توضیحی هم ندارد و رأی ساکت را باید مجلس قبول کند آقایان بلكه با رأی ساکت در این استیضاح موافقت فرمایند کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد . آقای نخست وزیر **نخست وزیر** - عرض بنده این است حالا که رأی ساکت در این باب گرفته شده بنسابت این استیضاحی که از بنده کردند بنده تقاضای رأی اعتماد می کنم .
رئیس - آقای برزین
برزین - چون مطابق اصل ۲۷ متمم قانون اساسی قوه مقننه ایران تشکیل میشود از پادشاه منکک و مجلس مبعوثان و چون انجنحضرت همایون شاهنشاهی در این موقع در ایران تشریف ندارند فراکسیون ترقی مملکت منکک را در تضعیف دولت تشقیص نمی دهد و علیهذا بدولت رأی اعتماد می دهد .
رئیس - بنابراین رأی اعتماد باورده میکنیم نسبت بدولت آقایان موافقتین ورقه سفید میدهند (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده و نتیجه بقرار ذیل اعلام شد)
 اسامی موافقتین - آقایان اسلامی - زنگنه - صاحب جمع - کشاورز صدر - دولتشاهی - صفوی - ملک مدنی - کفائی - عدل اسفندیاری - قوامی - قهرمان - ابوالقاسم امینی - صاحب دیوانی - نیکپور - محمد حسین قشقائی - دکتر اعتبار - کهید - حاذقی - مالکی - دکتر بقائی - امیر حسین یلغان - ارباب - سلطانی - دکتور راجی - دکتر عبده - مهندس هدایت - دکتر طبا - هراتی - عباس مسعودی - اورنگ - اعزاز نیکبلی - دکتر شفق - برزین - صادقی قبادیان - هاشم وکیل - دکتر امینی - لبقوانی - نراقی - بوداقیان - منصف - افخمی - رتوق - بهادری - امامی امیری - دقان - شیاه ابراهیمی - صدرزاده - ساعد - نورالدین امامی - مشایخی - نبوی افشار - شریعت زاده - حسن مکرّم - پالیزی - شریف زاده - غضنفری - محمد ذوالفقاری - امیر نصرت اسکندری - عباسی - ناصری - شهاب خسروانی - منکب بود - رفیع - دکتر شفق - ازبک گبو - عرب شیبانی - فرامرزی - کرگانی - مینزاده - قاضلی - علی وکیل - ناصر ذوالفقاری - دادور - نوابزیدی محسن گنابادی - سلمان اسدی - فولادوند - سزاوار خویلی - تولیت - ظفری - بانامانلیج - حسن اکبر - یمن اسفندیاری - علی بهبهانی - ابوالحسن رضوی - ابوالقاسم بهبهانی - سالار بهزادی - موسوی - اقبال - جواد هلمری .
 اسامی مخالفین : آقایان عبدالقدیر آزاد - حائری زاده - اردلان - عباس اسکندری - دکتر معظمی - حسین مکی آشتیانی زاده - رحیبیان .
رئیس - از صد و دو نفر عده حاضر ۹۳ نفر قرائت میشود .



از نمایندگان اظهار اعتماد بدولت قلمی کردند (فولادوند) - آقای رحیبیان میگویند روی ورقه سفید رأی مخالف داده اند . (آقای نخست وزیر - **نخست وزیر** - بنده خواستم از اظهار لطف و این اعتمادی که آقایان نسبت بنده در این دوسه بار ابراز فرموده اند از صمیم قلب امتنان و تشکر بکنم و آقایان همه بدعم که اگر بناست توفیقی با مبارزه در مملکت حاصل بشود بنده عرض میکنم برای خدمتگزاری آقایان حاضر هستم .

۲. موقع دستور جلسه بعد ختم جلسه
رئیس - جلسه را ختم میکنم جلسه آینده فردا دستور طرح یکدوازدهم .
 (مجلس یکساعت و سه ربع بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - **رضا حکمت**

شماره ۹۸۸۸
 وزارت جنگ - وزارت کشور
 وزارت دادگستری

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تلگرافاً از رم اجازه فرموده اند قانون عفو عمومی مجرمین غائله آذربایجان و زنجان که در جلسه ۲۶ و ۲۷ ۱۳۲۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است بوقع اجرا گذارده شود مراتب با ارسال رونوشت قانون ابلاغ می گردد .
 نخست وزیر
 شماره ۱۴۶۳۵
 ۲۷ و ۲۸

قانون عفو عمومی مجرمین غائله آذربایجان و زنجان

ماده واحده - کلیه اشخاصی که در غائله سال های ۲۲۴ و ۲۲۵ در استان آذربایجان و شهرستان زنجان مرتکب جنحه یا جنایت سیاسی یا جنحه و یا جنایت هادی مربوط به غائله مزبور شده اند (به استثنای مرتکبین قتل و باغارت) و همچنین شرکاء و معاونین آنها اعم از اینکه تحت تعقیب بوده و یا بوجب حکم قطعی یا غیر قطعی محکوم شده اند و با اساساً تاکنون مورد تعقیب قرار نگرفته اند از تعقیب و مجازات معاف میگرددند و هیچگونه آثار کیفری بعمل آنان مترتب نمیشود شمول این قانون نسبت بکسانی از اشخاص مذکور در قسمت اول این ماده که فعلاً در ممالک خارجه هستند در هر مورد بخصوص موکول بتصویب هیئت وزیران و صدور فرمان همایونی خواهد بود .

هر گاه يك یا چند نفر از کسانی که بوجب این قانون مشمول عفو عمومی میگرددند در تانی مرتکب جرمی نظیر جرائم مذکور فوق شوند آثار عفو کان لم یکن گشته و جرایم سابق نیز قابل تعقیب و مجازات خواهد بود .
 مقررات این قانون بهوجه در حقوق مدعیان خصوصی مؤثر نیست .
 کسانی که بر اثر غائله آذربایجان

خالک ایران را ترك کرده اند و طبق این ماده باید مورد تعقیب قرار گیرند نسبتاً از مقررات مربوط به مرور زمان استفاده کنند .
 تبصره ۱ - عده که بنام وزیر در حکومت قلابی پیشه روی شرکت داشته مشمول این معافیت نخواهند بود .
 تبصره ۲ - دولت منکک است بلافاصله پس از تصویب این قانون هیئت مورد اعتمادی را مأمور نماید که در آذربایجان و زنجان بتعمیق بپردازند چنانچه از طرف مأمورین دولت بنام متجاسر و یا عضویت فرقه دموکرات و یا نظائر آن وجهی از مردم دریافت داشته اند با تسلیم مأمورین دولت بدادگاههای مربوطه وجوه مأخوذه را باهالی مسترد داشته و گزارش نهائی خود را توسط دولت بمجلس شورای ملی تقدیم نمایند .

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه بیست و هشتم مرداد ماه یکهزار و سیصد و بیست و هفت بتصویب مجلس شورای ملی رسید .
رئیس مجلس شورای ملی - **رضا حکمت**
 ۲۴۳۰ م

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۸۶۲۳ - ۲۰۹۷۳ وزارت کشور بر طبق ماده ۷ آئین نامه قانون بلدیة شش تن آقایان کارمندان دوره هشتم انجنس شهرداری بندرعباس را بترتیب زیر :

حاج عبدالرحمن فریدونی - محمد کله داری - عبدالرحیم بلوکی - میر محمد شمس - محمد رحیم دوانی - حسین فرح بخش تمین - تصویب نمودند
 تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است

شماره ۱۰۱۷۶
 وزارت دارائی

هیئت وزیران بر حسب پیشنهاد شماره ۲۹۷۷۹ وزارت دارائی در جلسه ۳۰ - ۳۱ ۱۳۲۷ تصویب نمودند آن قسمت از تصویب نامه هائی که بوجب آنها مقرر شده است بعنوان عوارض شهرداری و شیر و خورشید سرخ و بهداشت و فرهنگ و غیره مبالغی از بهای گندم و جو که اداره کل غله و نان باید بصاحبان آنها بپردازد کسر شود ملئی است و باین ترتیب کسر هرگونه وجهی بعنوان عوارض از قیمت اجناس تحویلی مالکین و کشاورزان از طرف ادارات غله و نان منوع است .
 تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است

شماره ۵۰۶۶
 وزارت کشور

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۲۰۸ - ۲۰۷۶۲ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آئین نامه قانون بلدیة شش تن آقایان کارمندان دوره هشتم انجنس شهرداری مشهد را بترتیب زیر :

مشار قائم مقامی - عبدالحمید ملکی - سیدیحیی طباطبائی - علی موسویان - حسن کفائی - محمد احتشام گلویانی - محمد رضا کفائی - حسین امینی - مقدم - آقای فرحانی تعیین و تصویب نمودند
 تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است
 م - ۲۴۴۹
 شماره ۶۸۱۴
 وزارت کشور
 هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۱۴۹۱۸ - ۲۰۵۲۲ وزارت

کشور و بر طبق ماده ۷ آئین نامه قانون بلدیة شش تن آقایان کارمندان دوره پنجم انجنس شهرداری جویمند گناباد را بترتیب زیر :

سید محمد حسین شریعت زاده - محمدعلی قیاض عبدالحمید قاضی زاده - عبدالرحیم ایزدی - سید جعفر ملائی - محمد علی امین زاده تمین و تصویب نمودند
 تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است
 م - ۳۴۴۸
 شماره ۵۸۰۲
 وزارت کشور

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۸۶۲۳ - ۲۰۹۷۳ وزارت کشور بر طبق ماده ۷ آئین نامه قانون بلدیة شش تن آقایان کارمندان دوره هشتم انجنس شهرداری بندرعباس را بترتیب زیر :

حاج عبدالرحمن فریدونی - محمد کله داری - عبدالرحیم بلوکی - میر محمد شمس - محمد رحیم دوانی - حسین فرح بخش تمین - تصویب نمودند
 تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است

شماره ۵۷۹۲
 وزارت کشور

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۱۲۴۰۱۲ - ۱۲۱۶۰ وزارت کشور بر طبق مقررات ماده ۷ آئین نامه قانون بلدیة شش تن آقایان کارمندان دوره پنجم انجنس شهرداری باه را بترتیب زیر :

حاجی محمد امین بختیاری - حاجی احمد فتاحی کاکه بر اشاقی - عبداللہ توقی - حاجی محمد فتاحی محمد امین اقبالی تمین و تصویب نمودند
 تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است

شماره ۱۰۴۴۶
 وزارت اقتصاد ملی

هیئت وزیران در جلسه سوم شهریور ماه ۲۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۲۰۲۸ - ۱۳۶۶۳ تاریخ ۲۷ و ۲۸ وزارت اقتصاد ملی تصویب نمودند که ماده ۸ نظامنامه اجرای قانون اوزان و مقیاس ها مصوب ۱۷ اسفند ماه ۱۳۱۱ در شهرستان قزوین بوقع اجراء گذاشته شود .

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است
 م - ۳۴۳۶
 شماره ۱۰۴۵۰
 وزارت اقتصاد ملی
 هیئت وزیران در جلسه سوم شهریور ماه ۲۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۲۰۲۶ - ۱۳۶۶۵ مورخ ۲۷ و ۲۸ وزارت اقتصاد ملی تصویب نمودند که ماده ۸ نظامنامه اجرای قانون اوزان و مقیاس ها مصوب ۱۷ دیماه ۱۳۱۱ در بخش میمه بوقع اجراء گذاشته شود .
 تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است
 م - ۳۴۳۸
 از طرف نخست وزیر

شماره ۱۰۳۸۰ وزارت کشور	شماره ۹۶۸۰ وزارت کشور	شماره ۲۲۷-۶-۱ وزارت کشور
هیئت وزیران در جلسه دو شنبه مورخ اول شهریور ۲۷ برابر پیشنهاد شماره ۴۰۷۳۲ - ۲۴۰۰۷ وزارت کشور تصویب نمودند که از تاریخ صدور این تصویبنامه عوارض مشروحه زیر : ۱- از هر سید کپلو کشت سبز وارده مصرفی شهر ۲- موز - کشتش وازده گله وارده مصرفی شهر ۳- زیره سبز وارده مصرفی شهر ۴- انجیر - انواع برگه ۵- مغز بادام ۶- بادام ۷- مغز دانه ۸- روغن خشخاش - کنجد - منداب و غیره وارده مصرفی شهر ۳۰ ریال ۹- خشخاش - کنجد - منداب - کرچک پنبه تخم وارده مصرفی شهر ۵ ریال ۱۰- پشم - کرک - پشم شتر ۱۱- قالی ۱۲- انار ۱۳- مغز گردو ۱۴- آلو ۱۵- از هر کوسفتند وارده مصرف شهر هر رأس ام از کوچک و بزرگ ۱۶- از هر نفر مسافر با اتوبوس و سواری و باری بنفع شهرداری کاشم دریافت گردد. تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است.	هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۲۲۲۳۲-۴۰۴۴۷ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة ۶ تن آقایان کارمندان دوره پنجم انجمن شهرداری سردشت را بترتیب زیر : شیخه معروف زاده غفور شافعی صالح رشیدزاده صالح نقیبی حاجی محمد امین رشیدزاده حاجی محمد توحیدی تعیین و تصویب نمودند . تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است م - ۳۲۵۲ از طرف نخست وزیر شماره ۸۲۸۸ وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۱۹۲۷۲-۳۰۳۵۱ وزارت کشور طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة شش تن آقایان کارمندان دوره هشتم انجمن شهرداری رفسنجان را بترتیب زیر : علی معاون باقری حسن معینیان محمد باقری سید حسین ابطیعی سیدزین العابدین رضوی سید ابوالقاسم قرشی تعیین و تصویب نمودند . تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است م - ۳۲۵۱ از طرف نخست وزیر شماره ۸۲۸۰ وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۱۸۰۳۸-۳۸۰۲۷ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة نه تن آقایان کارمندان دوره هشتم انجمن شهرداری بو شهر را بترتیب زیر : محمد اسمعیل زارهی عباس محمدیان سید صادق شمس خلیل قنبری عباسعلی ریاضی سید محمدعلی علوی علی اکبر مهران علیباش توبید سید محمد حسین کازرونی تعیین و تصویب نمودند . تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است م - ۳۲۵۰ از طرف نخست وزیر شماره ۱۰۴۴۸ وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۲۷۹۹۹-۳۷۹۱۳ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة ۶ تن آقایان کارمندان دوره هشتم انجمن شهرداری اسدآباد را بترتیب زیر : حاجی خان بکای محمود سمیدی غیرالله خلیلی عبدالملکی عظیمی هاشم محمودی رضا امامی تعیین و تصویب نمودند . تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است م - ۳۲۵۳ از طرف نخست وزیر	شماره ۱۰۳۸۲ وزارت کشور
هیئت وزیران در جلسه سوم شهریور ماه ۱۳۲۷ بنا بر پیشنهاد شماره ۲۰۶۶۷ - ۲۷۴۹۱ وزارت کشور تصویب نمودند که از تاریخ صدور این تصویبنامه عوارض مشروحه زیر : ۱- از هر کبسه سیبمان وارده مصرفی شهر ۲- ۷۵ کیلوگرمی قند آزاد وارده مصرفی شهر ۳- ۱۰۰ کیلوگرمی شکر آزاد وارده مصرفی شهر ۴- هر کیلو چای آزاد ۵- هر صد کیلو پسته و فندق ۶- هر صد کیلوچرم فرانسویس و شورو و جیر خارجی وارده مصرفی شهر ۷- هر صد کیلوگرم کبات باستانهاونوج ۸- هر صد کیلو انواع چوب پوشش ۹- هر صد کیلو رب و شیر و مصل ۱۰- هر صندوق شیشه جام ۱۱- هر صندوق بلور آلات و چینی آلات ۱۲- هر کیلو اشیا خرازی داخله و خارجه ۱۳- هر عدل قماشهای نخی و خارجی ۱۴- هر عدل قماشهای نخی داخلی ۱۵- هر صد کیلو جوهر جوش - روغن بادام - سولفات دوسود - گلبیرین - پارافین - وازین و انواع روغنهای نباتی داخلی وارده مصرفی شهر ۱۶- از کلیه مال التجاره خارجی باستانها آنچه در بالا ذکر شده وارده مصرفی شهر هر عدل یا صندوق یا بسته و یا کلی پستال ۱۷- از کلیه مال التجاره های داخلی باستانها آنچه در بالا ذکر شده وارده مصرفی شهر هر صندوق یا عدل یا کلی پستال ۱۸- از هر حلب روغن طعام و کره و بیه ۱۵ کیلوگرمی وارده مصرفی شهر ۱۹- از هر حلب سقر ۲۰- از هر صد کیلو ذغال وارده مصرفی شهر ۲۱- از چرمهای داخلی وارده مصرفی شهر ۲۲- از الوار جنگلی و الوار گردو ۲۳- از انواع تخته سه لانی هر تخته ۲۴- از الوار چناری و غیره هر صد کیلو ۲۵- ابزار و لوازم ساختمانی از قبیل چفت و ریزه و دستگیره و لولا و قفل و فنر و غیره هر صندوق وارده مصرفی شهر ۲۶- شیشه آلات ساخت داخله از قبیل لوله چراغ و پایه چراغ و استکان و تملیکی و غیره هر صندوق ۲۷- از کلیه لوازم برق و رادیو و تلفن وارده مصرفی شهر هر صندوق ۲۸- هر دستگاه رادیو و تلفن و گرامافون و دوچرخه سواری یاشی وارده بشهر ۲۹- انواع قماش های بشمی و ابریشمی خارجی هر عدل وارده مصرفی شهر ۳۰- انواع قماش های داخلی ۳۱- لباسهای مستعمل خارجه ۳۲- لباسهای غیرمستعمل ۳۳- از انواع رنگها و روغن های خارجی مصرف نقاشی وارده مصرفی شهر هر صندوق ۳۴- از انواع رنگهای و روغنهای داخلی ۳۵- از انواع کاغذ هر صد کیلو ۳۶- از انواع لوازم التحریر هر صندوق ۳۷- هر صد کیلو مس ۳۸- هر صد کیلو آلومینیوم ۳۹- گاه سبز و گاه جاشیر و گاه که هر صد کیلو ۴۰- انواع پوستهای نرم بره سنجاب سموریلنک و غیره وارده بشهر هر یک جلد ۴۱- کتیبرای - متولی وارده مصرفی شهر هر صد کیلو ۴۲- از هر درجه ۱ ۴۳- ۲ ۴۴- ۳ ۴۵- کشک و خرمای وارده مصرفی شهر ۴۶- از اراضی قابل ساختمان محصور و غیرمحصور مادام که ساختمان قابل	شماره ۹۶۷۴ وزارت کشور	
هیئت وزیران طبق تبصره ۲ از ماده ۲ قانون تقسیمات کشور بنا بر پیشنهاد شماره ۴۰۹۶۷-۴۰۹۶۷ وزارت کشور در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ تصویب نمودند که بخش درج (در گزر) تبدیل بشهرستان شود بخشهای تابعه آن بعداً تعیین و تصویب خواهد شد تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است م ۳۲۶۲ از طرف نخست وزیر شماره ۹۴۲۸ وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۱۸۰۵۲ - ۳۹۸۲ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة شش تن آقایان کارمندان دوره هفتم انجمن شهرداری شیروان را بترتیب زیر : حاجی ابراهیم زاده حاجی رمضانعلی صالحی شیخ محمد علی معینی کاظم فلاحت کار فلاخرضا طوسی باقر ناصری تعیین و تصویب نمودند . تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است م ۳۲۶۰ از طرف نخست وزیر شماره ۹۴۳۰ وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۲۲۰۲۱ - ۴۴۱۸۷ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة ۶ تن آقایان کارمندان دوره هفتم انجمن شهرداری رودبار را بترتیب زیر : کریم معینی زاده - معینی مددی - ابوتراب صادقی - اسمعیل محمد زاده - میر یعقوب خالقی		

شماره ۹۶۷۴ وزارت کشور	شماره ۲۲۷-۶-۱ وزارت کشور	شماره ۲۲۷-۶-۱ وزارت کشور
هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۲۱۱۵۷ - ۳۹۵۵۳ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة ۶ تن آقایان کارمندان دوره هفتم انجمن شهرداری مهاباد را بترتیب زیر : سیدعلی حسینی صالح شاطری حامد حمیدی حمید بلوریان سید عبدالله سیدی معروف شافعی تعیین و تصویب نمودند تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است م - ۳۲۵۸ از طرف نخست وزیر شماره ۹۴۳۲ وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۲۱۱۸۹ - ۴۴۰۰۲ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة شش تن آقایان کارمندان دوره اول انجمن شهرداری زرنده را بترتیب زیر : موسی فدائی محمد یگانه پور محمد ذکائی جواد ایزدیناه محمد بیکنش سید جواد عمرانی تعیین و تصویب نمودند . تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است م ۳۲۵۷ از طرف نخست وزیر شماره ۹۲۱۲ وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۲۰۹۲۸ - ۴۰۹۹۲ - ۱۷ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة ۶ تن آقایان کارمندان دوره پنجم انجمن شهرداری بو شهر را بترتیب زیر : محمد اسمعیل توکلی سید محمد حسینی عمادی یحیی عطار حسن امیددی محمد حسن وفائی اسماعیل صدیق تعیین و تصویب نمودند . تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است م - ۳۲۵۶ از طرف نخست وزیر شماره ۸۶۰۸ وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۳۷-۳۹۳۲۷ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة ۶ تن آقایان کارمندان دوره هشتم انجمن شهرداری نی ریز را بترتیب زیر : غلامرضا دیانت حسین علی حقیقی سید محمد طباطبائی محمدحسین شناس احمد صدوقی حسین بهرامی تعیین و تصویب نمودند . تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است م - ۳۲۵۵ از طرف نخست وزیر	شماره ۲۲۷-۶-۱ وزارت کشور	

شماره ۲۲۷-۶-۱ وزارت کشور	شماره ۲۲۷-۶-۱ وزارت کشور	شماره ۲۲۷-۶-۱ وزارت کشور
هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۲۱۱۵۷ - ۳۹۵۵۳ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة ۶ تن آقایان کارمندان دوره هفتم انجمن شهرداری مهاباد را بترتیب زیر : سیدعلی حسینی صالح شاطری حامد حمیدی حمید بلوریان سید عبدالله سیدی معروف شافعی تعیین و تصویب نمودند تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است م - ۳۲۵۸ از طرف نخست وزیر شماره ۹۴۳۲ وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۲۱۱۸۹ - ۴۴۰۰۲ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة شش تن آقایان کارمندان دوره اول انجمن شهرداری زرنده را بترتیب زیر : موسی فدائی محمد یگانه پور محمد ذکائی جواد ایزدیناه محمد بیکنش سید جواد عمرانی تعیین و تصویب نمودند . تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است م ۳۲۵۷ از طرف نخست وزیر شماره ۹۲۱۲ وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۲۰۹۲۸ - ۴۰۹۹۲ - ۱۷ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة ۶ تن آقایان کارمندان دوره پنجم انجمن شهرداری بو شهر را بترتیب زیر : محمد اسمعیل توکلی سید محمد حسینی عمادی یحیی عطار حسن امیددی محمد حسن وفائی اسماعیل صدیق تعیین و تصویب نمودند . تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است م - ۳۲۵۶ از طرف نخست وزیر شماره ۸۶۰۸ وزارت کشور هیئت وزیران در جلسه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۷ بر حسب پیشنهاد شماره ۳۷-۳۹۳۲۷ وزارت کشور و بر طبق ماده ۷ آیین نامه قانون بلدیة ۶ تن آقایان کارمندان دوره هشتم انجمن شهرداری نی ریز را بترتیب زیر : غلامرضا دیانت حسین علی حقیقی سید محمد طباطبائی محمدحسین شناس احمد صدوقی حسین بهرامی تعیین و تصویب نمودند . تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است م - ۳۲۵۵ از طرف نخست وزیر	شماره ۲۲۷-۶-۱ وزارت کشور	



